

# بنای تاریخی کنگاور در آینه متون تاریخی و گزارش پیشگامان باستان‌شناسی در ایران

محمد غلامعلی فلاح<sup>۱</sup>

کلید واژگان: بنای تاریخی کنگاور، معبد آناهیتای کنگاور.

## چکیده

نوشته حاضر درباره بنای تاریخی شهر کنگاور، معبد آناهیتا است. این بنا از آن دست بناهایی است که صاحب‌نظران اختلاف نظرهای فراوانی در باب کارکرد اصلی و همچنین تاریخ پیدایش آن دارند. عده‌ای آن را معبد آناهیتا دانسته و عده‌ای نیز آن را کاخ شمرده‌اند. همچنین در باب تاریخ برپایی بنا، عده‌ای آن را هخامنشی و دایر تا پایان دوره ساسانی و عده‌ای نیز آن را متعلق به اواسط یا اواخر دوره ساسانی دانسته‌اند.

یکی از مهم‌ترین منابع مورخان معماری، برای کشف کارکرد اصلی و تاریخ برپایی بناهای تاریخی، متون است. در این مقاله کوشیده‌ایم تا به تاریخ برپایی و کارکرد اصلی بنای تاریخی کنگاور، با کاوش در متون تاریخی، شامل گزارش‌های مورخان و جغرافی‌دانان و سفرنامه‌نویسان، و همچنین گزارش‌های باستان‌شناسان پردازیم. هدف از نوشتن این مقاله روشن کردن ریشه‌های اظهار نظرهای مختلف درباره تاریخ‌گذاری و کارکرد این بنا است. همچنین این پژوهش کتاب‌شناسی نسبتاً کاملی از متونی به دست می‌دهد که، حاصل آن اطلاعاتی درباره بنای تاریخی کنگاور است.

## مقدمه

ایران کشوری است با سابقه فرهنگی چندهزار ساله؛ فرهنگی که، در آثار مادی و غیرمادی برخاسته از آن سرزمین بازتاب یافته است. مجموعه این آثار، اعم از مادی و غیرمادی، را به‌درستی میراث فرهنگی خوانده‌اند؛ یعنی آنچه به ما از این فرهنگ چندهزار ساله به ارث رسیده است.

یکی از مصادیق میراث فرهنگی در هر سرزمینی با پیشینه غنی تاریخی، مانند ایران، معماری آن است. همان چیزی که در قالب بناهای تاریخی و محوطه‌های تاریخی و... به دست ما رسیده است و ما از آن‌ها به «آثار تاریخی معماری» یاد می‌کنیم.

این نکته وظیفه‌ای را برای ما ایجاد می‌کند و آن شناخت «آثار تاریخی معماری» به منظور شناخت معماری، به مثابه یکی از مصادیق و مظاهر فرهنگ ایرانی است. باید توجه داشت که، معماری لفظ مشترکی است برای تمام آن چیزی که به «فعل معماری»، یا «اثر معماری»، یا «معمار» بازمی‌گردد و صحبت از شناخت معماری مربوط به شناخت در هر سه حوزه مذکور می‌شود.<sup>۲</sup> در این میان شناخت «اثر معماری» کاری

۱. دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس؛  
Mo.g.fallah@gmail.com

۲. مهرداد قیومی بیدهندی، «سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران»، ص ۵.

## پرسش‌های تحقیق

۱. عملکرد حقیقی بنای تاریخی کنگاور با توجه به اطلاعات متون تاریخی چیست؟
۲. آیا می‌توان با بهره‌گیری از متون مختلف جغرافیایی- تاریخی به عملکرد حقیقی بنای تاریخی کنگاور پی برد؟

است که از اهل آن علم برمی‌آید و از این رو اهمیت ویژه‌ای دارد. اما مسئله مطرح، فاصله‌ای است که زمان میان ما و حقیقت این آثار پدید آورده است و ما همواره از ورای پرده سال‌ها و قرن‌ها با آثار معماری این کشور در بستر تاریخی آن‌ها روبه‌رو هستیم. هرچه این آثار معماری متعلق به زمانی دورتر باشد، ابهام درباره حقیقت آن‌ها بیشتر خواهد بود.

این مسئله به دو صورت رخ می‌نماید: صورت اول آن فرسودگی و تخریبی است که در آثار تاریخی معماری بر اثر گذر زمان پدید می‌آید و صورت دوم آن تحولاتی است که در بستر تاریخی- فرهنگی آثار صورت می‌گیرد. گاهی این تخریب‌ها و تحولات به حدی گسترده است که، حتی اظهار نظر درباره تاریخ ساخت و عملکرد این آثار نیز با مشکل روبه‌رو می‌شود.

یکی از مثال‌های خوب برای نشان دادن ابعاد این مسئله، بنای تاریخی کنگاور است. با وجود اینکه از سال ۱۳۴۷ تا کنون فعالیت‌های باستان‌شناسی نسبتاً گسترده‌ای در محدوده این بنا صورت گرفته است، اختلاف نظرهای تأمل‌برانگیزی میان صاحب‌نظران در باب عملکرد حقیقی این بنا و تاریخ پیدایش آن دیده می‌شود؛ عده‌ای آن را معبد آناهیتا دانسته‌اند و گروهی نیز آن را کاخ شمرده‌اند. در باب تاریخ پیدایش آن نیز عده‌ای آن را بنایی هخامنشی و دایر تا پایان دوره ساسانی و جمعی نیز آن را متعلق به اواسط یا اواخر دوره ساسانی دانسته‌اند.

در این مقاله نیز ما به پژوهش پیرامون این بنا خواهیم پرداخت و تلاش خواهیم کرد تا آن را در آینه متون تاریخی شامل گزارش مورخان و جغرافی‌دانان و سفرنامه‌نویسان، و پیشگامان باستان‌شناسی در ایران بررسی کنیم. هدف ما از نگارش این مقاله روشن ساختن ریشه‌های اظهار نظرهای مختلف درباره تاریخ‌گذاری و عملکرد این بنا است. همچنین این پژوهش کتاب‌شناسی نسبتاً کاملی از متونی که دست می‌دهد که اطلاعاتی درباره بنای تاریخی کنگاور دارند. به این ترتیب این مقاله کمکی خواهد بود به پژوهشگران در مطالعه و بررسی بنای تاریخی کنگاور.

## ۱. شرح مطالعات

تهیه شناسنامه تاریخی- فرهنگی یک اثر باستانی به کیفیت جمع‌آوری اسناد و مدارک و ماهیت و خصوصیات این اسناد بستگی دارد. درباره اثر تاریخی

روش تحقیق ما در این پژوهش تحلیل محتوای متون است. از این رو اطلاعات این مقاله از قبیل اطلاعات دست دوم دربارهٔ بنای تاریخی کنگاور محسوب می‌شود.

## ۲. دیدگاه کتیبه‌شناسی

وجود کتیبه در بنا به مثابه سند محکمی است برای به پایان رساندن بسیاری از ابهامات موجود دربارهٔ هویت در هر بنا. بی‌گمان کتیبه یا کتیبه‌هایی به پژوهشگران در پیشبرد اهداف تحقیقی کمک خواهد کرد. کتیبه، سند تاریخی مطمئن و قابل اعتماد، می‌تواند حاکی از تاریخ و تقویم زمانی یک اثر تاریخی و حتی کاربری دقیق آن باشد.

در بنای تاریخی کنگاور تا کنون کتیبه‌ای که حاوی این اطلاعات باشد یافت نشده است. البته در بخش کتیبه‌شناسی اثر تاریخی کنگاور، بنا به اظهارات آقای دکتر سیف‌الله کامبخش فرد سنگ‌های بسیاری منقور به خطوط و اسامی پهلوی ساسانی بوده است. گفتنی است که آقای کامبخش فرد این بنا را از دورهٔ هخامنشی دایر می‌داند و معتقد است که بنا در طول هزار سال در دوره‌های هخامنشی، اشکانی، و ساسانی همواره استفاده شده است. به اعتقاد ایشان، این سنگ‌های منقور به خطوط پهلوی ساسانی در دورهٔ سوم بنا و هنگام بازسازی در اواسط دورهٔ ساسانی به بعد در بنا به کار رفته‌اند. بر اساس گزارش ایشان، نام بیشتر این سنگ‌ها «پیروز» بر بوده است.

به طور کلی کتیبه‌های باستانی موضوعات متنوعی اعم از مذهبی، سیاسی، اجتماعی، و یا حقوقی دارند. اگر فرض کنیم که بنای تاریخی کنگاور «معبد آناهیتا» بوده است، آنگاه باید انتظار داشته باشیم که کتیبه‌های بنا مضامین مذهبی داشته باشد، مضامینی چون دعا و اظهار نیاز، قواعد و مقررات مذهبی، کیفیت تقدیم هدایا و نذورات، تاریخ ساخت و مرمت بخش‌های مختلف معبد، سرودهای مذهبی، تمسک و توسل به خدایان، و ذکر نام آن‌ها.

کنگاور، علاوه بر بقایای اثر، اسناد و منابع فراوانی اعم از گزارش باستان‌شناسان، مورخان، سفرنامه‌نویسان، و جغرافی‌دانان در اختیار ما قرار دارد.

در این مقاله در بخش‌های مختلفی اطلاعات مندرج در این اسناد و منابع بررسی و در پایان هر بخش تحلیلی از اطلاعات موجود در آن بخش عرضه می‌شود.

مشکلاتی که امروز در بنای تاریخی کنگاور با آن‌ها روبه‌رو هستیم بدین شرح هستند:

- تعیین هویت بنا و کاربری اصلی آن، معبد یا کاخ سلطنتی یا موارد مشابه؛
- تاریخ‌گذاری دقیق بنا؛
- کیفیت زمان‌بندی ساخت‌وساز و سیر تکامل یا تحول بنا (نقش دوره‌های مختلف تاریخی در شکل‌گیری و تخریب بنا)؛
- چگونگی پلان و نقشهٔ اصلی بنا.

به نظر می‌رسد تحقیقات کامل‌تر و فهم دقیق‌تر این اثر موکول به حل مسائل بالا است. آن اندازه که کاوش‌های باستان‌شناسی در کالبد بنای مذکور برای ما روشن کرده است، هنوز ماهیت آن را به طور کامل مشخص نمی‌کند. البته نمی‌توان انتظار داشت که، حتی پس از به پایان رسیدن کامل کاوش‌ها نیز، یافته‌ها نتایج مطلوبی برای معرفی حقیقت اثر داشته باشند. چنان که بناهای بسیاری هستند، که با وجود باقی ماندن کالبدشان، در کاربری آن‌ها جای شک و تردید و محل اختلاف نظر است.

اما آنچه می‌تواند از حقیقت این بنا در اختیار ما قرار گیرد، گذشته از باقی‌ماندهٔ کالبدش، معمولاً در آینهٔ کتیبه‌های آن منعکس است. از این رو در بخش اول این مقاله به بررسی دیدگاه کتیبه‌شناسی دربارهٔ بنای تاریخی کنگاور می‌پردازیم و پس از آن به بررسی اطلاعات مرتبط با بنا در متون تاریخی خواهیم پرداخت.

پس از آن خانه «بازیگران» [محل باج‌گیری] که مرکز گمرکی می‌باشد وجود دارد و فاصله‌اش ۳ سخونی است. بعد از آن منطقه مسکونی شاهانه «ادراپانه» واقع شده که مخصوص سکونت کسانی است که، در «باتانا» [شاید اکباتان] حکمرانی می‌کنند و به دست تیگرانس پادشاه ارمنیا ویران شد. [۵۶ تا ۹۶ ق م] و فاصله‌اش ۴ سخونی است. پس از آن شهر اکباتان واقع شده است که، یکی از شهرهای عمده ماد محسوب می‌شود. همچنین در این شهر گنجینه و معبدی که موقوف آنائیتس [آناهیتا] است نیز موجود است؛ همچنین در این معبد است که قربانی‌ها همیشه تقدیم می‌شود و فاصله‌اش ۱ سخونی است و پس از آن محل ۳ روستا وجود دارد که دارای برخی ایستگاه‌ها می‌باشد.<sup>۳</sup>

از گزارش ایزیدور خاراکسی می‌توانیم به اطلاعات زیر دست یابیم:

۱. نکته جالب درباره گزارش خاراکسی این است که، او وجود معبد «آرتمیس» را در کنگاور یا حوالی آن گزارش کرده است. در حالی که معبد «آنائیتس» (آناهیتا) را واقع در اکباتان می‌داند. همین امر نشان می‌دهد که در نگاه وی میان آرتمیس و آنائیتس تفاوت بوده است. به این ترتیب می‌توان گفت که، اگر معبدی در کنگاور یا حوالی آن وجود داشته، معبد «آرتمیس» بوده است. با این تفسیر این نکته که در برخی از گزارش‌ها آناهیتا را همان الهه آرتمیس یونان دانسته‌اند جای تردید و بحث دارد.
۲. از نوشته خاراکسی چنین برمی‌آید که، معبد آرتمیس احتمالاً از کنگاور فاصله دارد: «و در آنجا معبد "آرتمیس" وجود دارد که، فاصله‌اش ۳ سخونی است».
۳. با اینکه خاراکسی وجود معبد آرتمیس را در شهر کنگاور گزارش کرده است، باید در معبد بودن بنای کنگاور تردید کرد. چراکه اساساً معلوم نیست معبدی که خاراکسی دیده همین بنای تاریخی کنگاور باشد.

در اینجا این سؤال مطرح است که، چرا در اثر تاریخی کنگاور، که به نام معبد شهرت یافته است، کتیبه‌ای نیست؟ چرا در هیچ کدام از تخته‌سنگ‌ها، ستون‌ها، پایه‌ستون‌ها، و پلکان، مانند آنچه در تخت جمشید در ایران یا حضر در عراق اتفاق افتاده است، کتیبه‌ای نقر نکرده‌اند؟ آیا جای تعجب نیست که، یک اثر تاریخی به‌خصوص اگر سابقه دینی و اعتقادی داشته باشد و نام معبد بر آن اتلاق گردد، فاقد هرگونه کتیبه شاخصی باشد؟

بنا بر این در باب دیدگاه کتیبه‌شناسی در بنای تاریخی کنگاور می‌توان چنین گفت:

۱. براساس علم کتیبه‌شناسی، هویت بنای تاریخی کنگاور با استناد به کتیبه‌های موجود قابل دریافت نیست.
۲. اظهار نظر قطعی درباره هویت و تاریخ پیدایش بنای تاریخی کنگاور، بر اساس کتیبه‌های موجود، تا زمانی که کتیبه‌هایی درباره هویت اثر و تاریخ ساخت و دوره‌های بازسازی آن یافت نشود، میسر نیست و بیشتر موجب تشویش آرا و اختلاف نظر بین صاحب‌نظران خواهد شد.

### ۳. دیدگاه صاحب‌نظران در متون تاریخی - جغرافیایی ۱.۳. ایزیدور خاراکسی

تنها متن پیش از اسلامی که از کنگاور و وجود بنای تاریخی در آن یاد کرده، کتابی با ماهیت جغرافیای نظامی به نام ایستگاه‌های پارتی تألیف ایزیدور خاراکسی است. ایزیدور خاراکسی سیاحی یونانی بوده که در سال ۳۷ میلادی از ایران دیدن کرده است.

خاراکسی در بند ششم کتاب مذکور می‌نویسد:

از همین جا از «باگستانا» [بیستون] تا «مادبالا» ۳۸ سخونی می‌باشد و در فاصله اولین ۳ سخونی شهر «کونکوبار» واقع شده است. و در آنجا معبد «آرتمیس» وجود دارد که، فاصله‌اش ۳ سخونی است.

۳. ایزیدور خاراکسی، ایستگاه‌های پارتی، ص ۲۳ و ۲۴.

### ۳.۲. ابن خردادبه

ابن خردادبه در کتاب *المسالک و الممالک* در سال ۲۵۰ق آورده است: «از دکان تا قصر الصوص [کنگاور] ۷ فرسخ، از قصر الصوص تا خنداد ۷ فرسخ، از خنداد تا گردنه همدان، و از آنجا تا ده عسل ۳ فرسخ، از ده عسل تا همدان ۵ فرسخ راه است».<sup>۴</sup> اطلاعات زیر را از متن فوق می‌توان به دست آورد:

۱. در این متن کنگاور را قصر الصوص خوانده است. این نکته درباره تقریباً تمامی متون دوره اسلامی صادق است.
۲. در این متن فاصله کنگاور تا دهات و روستاهای اطرافش ذکر شده است؛ ممکن است بتوان با مطابقت دادن این اسامی بر روی نقشه از راه‌ها و مسیرهای اصلی عبوری از کنگاور باخبر شد.

### ۳.۳. ابن رسته

ابن رسته در کتاب *الاعلاق النفیسه* در سال ۲۹۰ق آورده است: از دکان تا قصر الصوص هفت فرسخ است. راه پر فراز و نشیبی دارد که، از میان کوه‌ها گذشته تا به پل نعمان و قریه نعمانیه می‌رسد. سپس تا مادران ادامه می‌یابد. در چپ این راه مزارع دیمی قرار دارد و از آنجا راه به انتهای دره‌ای منتهی می‌شود. پس از گذشتن از پلی به قصر الصوص می‌رسد. این کاخ و ایوان خسروان است که، از گچ و آجر ساخته شده. این قصر بر قریه‌ای مشرف است و در داخل ایوان آن حجره‌هایی دارد. از قصر الصوص تا خنداد هفت فرسخ است. راهش پر فراز و نشیب است و منطقه ترسناکی است. زیرا اطراف آن مسکن راهزنان است و سپس راه به کشتزارها و مزارعی منتهی می‌شود، از پلی عبور می‌کند، در آنجا ایوانی است که از ساخته‌های خسروان است، به نام ایوان الصنج معروف است.<sup>۵</sup>

اطلاعات زیر از متن فوق به دست می‌آید:

۱. در متن از کیفیت مسیر ارتباطی به کنگاور صحبت شده که، از وضعیت جغرافیایی کنگاور خبر می‌دهد. پر فراز

و نشیب بودن این مسیر در کنار ذکر چند پلی، که در متن آمده است، می‌تواند نشان از موقعیت ویژه کنگاور از نظر جغرافیای سیاسی- نظامی باشد. چنین مناطقی غالباً امن‌تر است و دفاع از آن‌ها به‌سادگی صورت می‌پذیرد. این ویژگی منطقه را برای استقرار کاخ پادشاهی یا معبدی محترم و پراچ مناسب می‌کند.

۲. در متن قصر الصوص را کاخ و ایوان خسروان که از گچ و آجر ساخته شده خوانده. در این قسمت از عملکرد بنا و مصالح غالب آن خبر داده؛ عملکرد بنا را قصر و کاخ و ایوان خسروان دانسته و مصالح به‌کاررفته در بنا را گچ و آجر (مصالح غالب در بناهای اشکانی و ساسانی).

۳. در این متن از فضاهای معماری درون بنا نیز به حجره‌هایی اشاره شده که، در داخل ایوان بنا قرار داشته است: «...در داخل ایوان آن حجره‌هایی دارد».

۴. در متن از کاخ و ایوان دیگری به نام «ایوان الصنج» نام برده شده که، در نزدیکی کنگاور است و از ساخته‌های خسروان است. از این قسمت می‌توان فهمید که، منطقه کنگاور و نواحی اطرافش احتمالاً منطقه‌ای پادشاهی بوده است. این امر می‌تواند تئوری کاخ بودن بنای کنگاور را تقویت کند.

### ۳.۴. ابن فقیه

ابن فقیه در کتاب *البلدان* در سال ۲۹۰ق آورده است:

«در قصر دزدان بنایی شگفت و ستون‌هایی استوار افتاده است».<sup>۶</sup>

گفتار درباره همدان: و ایوان مدائن و تخت شب‌دیز و بهستون و ستون‌های قصر دزدان و طاق تبنا بر همدان و ماهی و گاو نپاوند و شگفتی‌های رومیه و نیل‌رومی، ذات‌الحوافر در همدان و جز اینها از شگفتی‌هایی که شمارش نشوند.<sup>۷</sup> گفتار درباره اصفهان: گویند هیچ بنایی از گچ و آجر شکوهمندتر

۴. ابن خردادبه، *المسالک و الممالک*، ص ۲۵.

۵. ابن رسته، *الاعلاق النفیسه*، ص ۱۹۶.

۶. ابن فقیه، *البلدان*، ص ۳۴.

۷. همان، ص ۸۹.

### ۳.۷. مقدسی

مقدسی در کتاب *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم* در سال ۳۷۵ق آورده است: «و قصر الصوص شهری کوچک است، در آنجا قصری از سنگ با ستون‌ها و معماری شگفت‌انگیز بنا شده است.»<sup>۱۱</sup>

اطلاعات زیر از این متن به دست می‌آید:

۱. مقدسی در این متن به صراحت بنای تاریخی کنگاور را قصر خوانده است.
۲. شاخصه معماری شگفت‌آور این قصر را ستون‌های آن دانسته است.
۳. سنگ را مصالح اصلی بنا معرفی کرده است.

### ۳.۸. ابودلف

ابو دلف در کتاب *سفرنامه ابودلف در ایران* در سال ۳۴۱ق آورده است:

از آنجا [ماذران] به قصر الصوص رفتیم. ساختمان این کاخ بسیار عجیب است و بر روی یک ایوان آجری که بیست پا از زمین بلندتر است بنا شده. در این کاخ ایوان‌ها و کوشک‌ها و خزانه‌هایی است که، از آنچه گفته شد عالی‌تر و باشکوه‌تر است. زیبایی ساختمان و نقش‌های آن دیدگان را خیره می‌سازد. این کاخ، به واسطه فراوانی شکار و گوارایی آب و مرغزارها و دشت‌های باصفای آن، دژ محکم، منزل، و گردشگاه مخصوص پرویز بوده؛ در نزدیکی آن شهر بزرگی است که یک مسجد دارد.... از آنجا به مکانی رفتیم که به آشپزخانه خسرو پرویز معروف است و چهار فرسخ تا قصر الصوص فاصله دارد. آن آشپزخانه عبارت از ساختمان بزرگی در میان بیابان است و در اطراف آن هیچ آبادی وجود ندارد. به طوری که گفتیم پرویز به قصر الصوص می‌رفت و پسرش شاه مروان در اسدآباد پیاده می‌شد، از آشپزخانه تا قصر الصوص چهار فرسخ و تا اسدآباد سه فرسخ است [...].<sup>۱۲</sup>

مینورسکی بر گفته ابودلف تعلیقه‌ای دارد و می‌گوید:

از ایوان کسری نیست در مدائن، هیچ بنایی سنگی زیباتر از قصر شیرین نیست. هیچ ستونی شگفت‌انگیزتر از ستون‌های قصر دزدان نیست. هیچ طاقی دل‌انگیزتر از طاق شبدیز نیست. و هیچ بنایی از خشت و گل خوش منظرتر از بنای نیمور - روستایی در اصفهان - نیست.<sup>۸</sup>

اطلاعات زیر را از متون مذکور حاصل می‌شود:

۱. نام عنصر کالبدی معماری بنا، ستون، در این متن آمده است.
۲. در قصر دزدان یا کنگاور بنایی عظیم بوده است که، ستون‌های افتاده آن - شاید به سبب ارتفاع یا تناسب یا زیبایی تزیینات - از شگفتی‌های جهان به‌شمار می‌رفته است.

### ۳.۵. طبری

طبری در کتاب *تاریخ طبری* در سال ۳۰۳ق آورده است:

وقتی نعیم و همراهان در کنکور منزلگاه کردند، دزدی چهارپایی از آن مسلمانان را برد و آنجا را قصر الصوص [قصر دزدان] نامیدند. آنگاه نعیم از تپه روان شد و مقابل همدان فرود آمد.<sup>۹</sup>

این متن سبب نام گرفتن کنگاور به قصر الصوص را بیان می‌کند.

### ۳.۶. ابن حوقل

ابن حوقل در کتاب *صورة الارض* در سال ۳۶۷ق قصر الصوص را یکی از شهرهای مشهور جبال خوانده است. سپس آورده است: «و از اسدآباد تا قصر الصوص، که شهری است با منبر، آن را مونس مظفر ساخته است.»<sup>۱۰</sup>

ظاهراً در این شهر کسی به نام مونس یا مونس‌الاستاد مسجد جامعی ساخته است؛ در متون دیگر نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند. لفظ «منبر» را در اینجا احتمالاً به معنی مسجد جامع به کار برده است.

۸. همان، ص ۱۰۲.  
 ۹. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۵، ص ۱۹۷۳.  
 ۱۰. ابن حوقل، *صورة الارض*، ص ۱۰۲.  
 ۱۱. مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ص ۳۰۳.  
 ۱۲. ابودلف، *سفرنامه ابودلف در ایران*، ص ۶۵ و ۶۶.  
 ۱۳. همان، ص ۱۲۸.

حفار را در حال تخریب این ایوان دیده است.  
 ۱۲. مینورسکی اظهار می‌کند که زمانی معبد آناهیتا در مکان فعلی بنا برپا بوده است.  
 ۱۳. از گفتار مینورسکی برمی‌آید که، انسان در تخریب بنای تاریخی کنگاور نقش پررنگی داشته است.

### ۳. ۹. محمد بن احمد طوسی

محمد بن احمد طوسی در کتاب *عجایب المخلوقات* در سال ۵۵۶ق آورده است:

قصر- شهری است بدین حدود آن را کنگور گویند، بناها است عجیب از سنگ بر سر هم نهاده، وزن هر سنگی در صفت نیاید، آفریدگار داند کی آن را چون ساخته‌اند و به چه قوت راست کرده‌اند و آن را مگر به دیده ببینند.<sup>۱۴</sup>

قصر الصوص در بلاد الجبل است کی ابرویز [احتمالا خسرو پرویز] کرده است؛ سنگ‌ها بیست ارش بر هم نهاده، کی صانعان در آن شگفت مانند و قصری بکرد عالی [...]، کی ابرویز بنشستی و فغفور چین و خاقان ترکستان بالای وی باستادندی و پسرش به قصری دیگر فرود آمد به اسدآباد، میان هر دو قصر چهار فرسنگ.<sup>۱۵</sup>

اطلاعات زیر از متون بالا به دست می‌آید:

۱. در متن نام شهر را «قصر» آورده است.
۲. از وجود بناهایی با مصالح سنگ، آن هم در ابعاد شگفت‌آور، در شهر سخن گفته‌اند.
۳. ساخت شهر و قصری عالی در آن را به خسرو پرویز نسبت داده‌اند.
۴. از ملاقات خسرو پرویز با فغفور چین و خاقان ترکستان در محل قصر سخن گفته‌اند.
۵. فاصله قصر خسرو پرویز و قصر پسر او در اسدآباد را چهار فرسنگ برآورد کرده‌اند.

این کاخ دزدان از دیرزمان با کنگاور یکی شناخته شده و زمانی معبد آناهیت در آنجا برپا بوده، این‌جانب در سال ۱۹۱۶ چند حفار دیدم که، در آنجا در کار ساختمان جدید بودند و ایوان مرتفع را، که زمانی تکیه‌گاهش ستون‌های سرافرازی بود خراب می‌نمودند.<sup>۱۳</sup>

اطلاعات زیر را از متون فوق می‌توان به دست آورد:

۱. ابودلف بنای تاریخی کنگاور را کاخی عجیب خوانده است.
۲. کاخ بر روی صفه‌ای بیست پا از زمین بلندتر قرار دارد.
۳. در متن به فضاهای معماری کاخ مانند «ایوان» و «کوشک» و «خزانه» اشاره کرده‌اند.
۴. متن حاکی از آن است که بر روی صفه چندین ایوان و کوشک قرار داشته است.
۵. در متن از نقش‌های خیره‌کننده کاخ صحبت شده که، نشان می‌دهد تا آن زمان عناصر تزئینی کاخ همچنان باقی بوده است.
۶. کاخ را منزل و گردشگاه مخصوص خسرو پرویز خوانده‌اند.
۷. در متن از فراوانی شکار و گوارایی آب و صفای دشت‌ها و مرزغزارهای کنگاور، که عوامل محیطی مناسبی برای یک تفرجگاه پادشاهی هستند، سخن رفته است.
۸. در نزدیکی کاخ شهری بزرگ با مسجد قرار داشته است.
۹. بر اساس اطلاعات متن، در فاصله چهار فرسخی کنگاور مکانی مشهور به آشپزخانه خسرو پرویز بوده است. ساختمان این آشپزخانه هم تا آن زمان برپا بوده است.
۱۰. در متن به محل اقامت شاه مروان، پسر خسرو پرویز، اشاره کرده که، فاصله کمی تا کاخ کنگاور و آشپزخانه پادشاهی داشته است.
۱۱. براساس تعلیقه مینورسکی بر گفتار ابودلف، ایوان مرتفعی از کاخ، که تکیه‌گاهش ستون‌های سرافرازی بوده است، تا سال ۱۹۱۶ برپا بوده است. گویا او چند

۱۴. محمد بن احمد طوسی، *عجایب المخلوقات*، ص ۲۵۹.  
 ۱۵. همان، ص ۲۹۷.  
 ۱۶. یاقوت حموی، *برگزیده مشترک یاقوت حموی*، ص ۱۴۷.

### ۳. ۱۰. ۱۰. یاقوت حموی

یاقوت حموی در کتاب *المشترک وضعاً و المفترق صقلاً* در سال ۶۲۳ هجری آورده است: «قصر کنکور [...] شهرکی است میان همدان و کرمانشاه که، گروه بسیاری بدان منسوبند».<sup>۱۶</sup> همچنین ایشان در کتاب *معجم البلدان* به نوشته‌های ابودلف استناد کرده است:

مسعر بن المهلهل گفته است که، قصر الصوص بنایی است سخت شگفت‌آور و آن بر صفه‌ای است از سنگ، که بلندی آن از زمین‌های اطرافش بالغ بر بیست ذرع می‌شود، دارای ایوان‌ها و کوشک‌های خزائنی است که چشم‌ها در ساختمان و نقوش آن حیران می‌شود. و این قصر پناهگاه پرویز و زیستگاه و گردشگاه او است به خاطر بسیاری شکار و گوارایی آب و نیکیی مرغزارها و صحراهای آن، پیرامون این قصر شهری بزرگ قرار داشته، که مسجد جامعی هم داشته است.<sup>۱۷</sup>

در قسمت اول نام شهر را «قصر کنکور» خوانده‌اند.

اما در قسمت دوم یاقوت اطلاعات کنگاور و بنا را از ابودلف نقل کرده است. اگرچه این موضوع سبب می‌شود که، اطلاعات جدیدی از بنا به دست نیاوریم، نشان می‌دهد که یاقوت به صحت گفته‌های ابودلف اعتماد داشته است و به همین دلیل اطلاعاتی را از او در کتابش نقل کرده است.

### ۳. ۱۱. ۱۱. زکریا بن محمد بن محمود قزوینی

زکریا محمد بن قزوینی در کتاب *آثار البلاد و اخبار العباد* در سال ۶۷۴ هجری آورده است:

[کنگاور] شهری است، در میان راه همدان و کرمانشاه است. جای شهر و اطراف آن جلگه بسیار وسیع و دلگشا است. آب‌وهوای کنگاور به خوبی و سازگاری مثل شده، کسری پرویز در آنجا زندگی می‌کرد. کاخی در آنجا برافراشت که بنیادش صد ذرع و ازتفالعش بیست ذراع بود. هرکس کاخ را می‌بیند می‌ندارد که از یک پارچه‌سنگ است. نه شکافی نه درزکی در سراسر این بنا

پدیدار نیست. تماشایی از دیدن این بنای نمونه در روی زمین حیران و سرگردان شود.

اگر خواهی از شگفت‌انگیزترین شگفتی‌های زمان دیدن کنی برو این کوشک و سرای سر به فلک کشیده را با ستون‌های مرمی نظاره کن تا ببینی که چگونه سنگ خارا هیچ یارای مقاومت نداشته، اندر دست هنرمندان نرمش موم یافته است.

گویند وقتی فغفور چین، خاقان ترک، داهر امپراطور هند مهمان پرویز شده‌اند، پذیرایی در این کاخ صورت گرفته تا بدانند که جلال و شوکت پرویز تا کجا است. بفهمند که هنرمندان دربار شاهان ایران در مملکت آن‌ها همال و نظیر ندارند.

[...] کسی می‌گفت در آن بخشی را دیدم که کارش ناقص مانده بود، چند ستونی از سایر ستون‌ها نازیباتر می‌نمودند. از پیرمردان پرسیدم، گفتند بعد از کسری پرویز معماران کاخ ناگزیر کار را ناتمام هشتتند. هرچند جانشینان بعد از او بر آن شدند که کار به اتمام برسد، اما آن هنرمندان را نیافتند که در سابق کار می‌کردند، باید گفت حوصله‌شان سر رفته بود که از ته دل کار کنند، زیرا کرم و بخششی که پرویز داشت در وجود جانشینان او نبود.<sup>۱۸</sup>

اطلاعات زیر را از متن فوق به دست می‌آید:

۱. در این متن دیگر از نام قصر الصوص برای کنگاور خبری نیست.

۲. نویسنده از دلنشینی آب‌وهوای کنگاور خبر می‌دهد.

۳. در متن آمده است که کسری پرویز در کنگاور زندگی می‌کرده است.

۴. نویسنده متن ساختن کاخی در شهر را به کسری پرویز نسبت می‌دهد و از ابعاد صفت آن خبر می‌دهد: «کاخی در آنجا برافراشت که بنیادش صد ذرع و ازتفالعش بیست ذراع بود».

۵. نویسنده از کیفیت ممتاز ساخت کاخ خبر می‌دهد: «هرکس کاخ را می‌بیند می‌ندارد که از یک پارچه‌سنگ است. نه شکافی نه درزکی در سراسر این بنا پدیدار نیست».

۱۷. همو، *معجم البلدان*، ج ۴، ص

۴۱۳

۱۸. زکریا محمد بن قزوینی، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ص ۲۱۶.



برای برپایی بنا آورده باشند؛ و می‌تواند یادآور چگونگی ساخت بنای پارسه باشد.

### تحلیل اطلاعات متون تاریخی - جغرافیایی

بنا بر آنچه در این بخش آمد به نتایج کلی زیر دست می‌یابیم:

۱. چنان‌که دیدیم در تمامی متون تاریخی-جغرافیایی مذکور، کنگاور یا به نام خودش یا به نام قدیمش، کنکور، و یا به نام قصر الصوص یا قصر دزدان آمده است.
۲. نویسندگان تمامی متون بنای تاریخی کنگاور را کاخ یا قصری دانسته‌اند منسوب به خسروان، به‌ویژه خسرو پرویز. تنها در سه متن از بنایی تاریخی در کنگاور، غیر از کاخ، نام برده‌اند. متن اول مربوط به گزارش ایزیدور خاراکسی است؛ بنا به تحلیلی که درباره آن آمد، نمی‌توان به‌سادگی اطلاعات آن را با موضوع بحث تطبیق داد و باید با احتیاط بیشتری خبر او را به بنای تاریخی کنگاور مرتبط دانست.

متن دوم مربوط به تعلیقه‌ای است که مینورسکی بر نوشته ابودلف می‌نویسد. مینورسکی دلیل و یا مأخذی برای گفته‌اش نمی‌آورد لیکن معتقد هم نیست که بنای فعلی معبد آناهیتا است؛ بلکه اظهار می‌کند که، زمانی معبد آناهیتا در این مکان برپا بوده است. متن سوم نیز متعلق به حمدالله مستوفی است. ایشان بنای تاریخی کنگاور را قلعه‌ای می‌خواند که خسرو پرویز برپا کرده است. در این متن نیز صحبتی از معبد آناهیتا در میان نیست.

۳. اگر بپذیریم که بنای تاریخی کنگاور تا اواخر دوره ساسانی دایر بوده است- چنان‌که تمامی صاحب‌نظران باستان‌شناسی در این باره اتفاق نظر دارند- باید در اوایل دوره اسلامی شکل دست‌نخورده‌تری از آن پیش چشم بازدیدکنندگان قرار گرفته باشد. چنان‌که می‌دانیم، به دلیل اینکه زمانی چهارپایی از مسلمانان در کنگاور می‌زدند، منطقه به نام قصر الصوص یا قصر دزدان

۶. توصیف نویسنده از کاخ به ترتیبی است که می‌توان از خلال آن فضاها و عناصر کالبدی معماری بنا را دریافت: «کوشک و سرای سر به فلک کشیده... با ستون‌های مرمی».

۷. در این متن نیز به ملاقات خسرو پرویز با فغفور چین، و خاقان ترک، و داهر، امپراطور هند، و پذیرایی خسرو پرویز از ایشان اشاره کرده است.
۸. متن حاکی از آن است که معماری کاخ در زمان خسرو پرویز پایان نیافته است و نویسنده اظهار می‌کند: «بخشی را دیدم که کارش ناقص مانده بود، چند ستونی از سایر ستون‌ها نازیباتر می‌نمودند».
۹. بنا بر آنچه در بند ۸ آمد، احتمالاً بنای تاریخی کنگاور کاخی ناتمام است.

### ۱۲.۳. حمدالله مستوفی قزوینی

حمدالله مستوفی در کتاب *نزهة القلوب* در سال ۷۴۰ ق آورده است:

کنگور، آن را قصر الصوص خوانده‌اند جهت آنکه اهل آنجا در دزدی درجه عالی دارد، خسرو پرویز درو قلعه‌ای ساخت و سنگ‌های گران به ستون کرده‌اند چنانکه هر یک کمابیش ده‌هزار من بود و در آن نزدیکی چنان سنگ نیست. مونس‌الاستاد در کنگور جامعی ساخت به غایت خوب و عظیم.<sup>۱۹</sup>

اطلاعات زیر را از متنی که گذشت می‌توان به دست آورد:

۱. بنای کنگاور قلعه‌ای است که خسرو پرویز آن را برپا کرده است.
۲. در متن از ستون‌های ساخته‌شده از سنگ‌های گران در بنا سخن گفته.
۳. نویسنده اظهار می‌کند که، در نزدیکی کنگاور سنگ‌هایی مناسب برای برپایی چنین ستون‌هایی نیست. این نکته به این معنی است که، شاید سنگ‌ها را از جایی دیگر

۱۹. حمدالله مستوفی، *نزهة القلوب*، ص ۱۰۸.

مشهور می‌شود. حالا نکته این است که، چرا مسلمانان نام قصر الصوص یا قصر دزدان را برای کنگاور برمی‌گزینند؟ مثلاً چرا آن را به نام قلعه دزدان، معبد دزدان، یا شهر دزدان نمی‌خوانند؟ اگرچه نمی‌توان با قطعیت در این باره اظهار نظر کرد، به نظر می‌رسد که، پیش‌فرضی مبنی بر وجود قصری در منطقه، که احتمالاً به تصرف دزدان درآمده است، در ذهن ایشان بوده است و شاید به همین دلیل این نام را برای آن برگزیدند.

۴. چنان‌که گفتیم شکل دست‌نخورده‌تر بنا باید پیش چشمان بازدیدکنندگان متقدم کنگاور در دوران اسلامی می‌بوده است. همان‌طور که دیدیم نویسندگان متون، در توصیف‌هایشان از بنا، نام عناصر کالبدی معماری و حتی نام برخی فضاهای معماری کاخ‌ها را آورده‌اند. فضاهایی چون «ایوان» و «کوشک» و «سرا»، که ذکر آن‌ها در متون رفت، از این دسته‌اند.

#### ۴. دیدگاه سفرنامه‌ها

##### ۴.۱. سفرنامه اوژن فلاندن به ایران (در سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۱)

اوژن فلاندن در سفرنامه‌اش آورده است:

روز نوزدهم همین که اندکی از خیمه‌گاه دور شدیم به رودخانه‌ای پرآب رسیدیم، در جلو ما دشت وسیع و به انتهایش کنگاور دیده می‌شد. این ناحیه بسیار حاصلخیز و باید ساکنین آن بسیار زیاد باشند، زیرا دهکده‌هایش بی‌شمار است. [...]

چون وقت خوبی وارد کنگاور شدیم و به‌علاوه روز دراز و شهر کوچک است با خود گفتیم در همین روز خواهیم توانست کلیه خرابه‌هایش را کاوش نماییم. آیا کنگاور به این شهر کوچک، کم‌جمعیت، و کم‌خانه اتلاق می‌شود؟ در صورتی که در قدیم به سبب احترامی که می‌داشته اهمیتی بسزا داشته است. امروز مسجدی کوچک و بازاری مختصر و

دروازه‌هایی دارد. با وجود این بر تمامی دهکده‌های مجاورش برتری دارد؛ خاصه حاکمش که رادمرد و مهمان‌نواز است. [...] باید کنگاور را شهری محسوب داشت، گرچه ویرانه‌هایش بسیار زیاد است، ولی برای اینکه افتخار و عظمتش دانسته شود، از آثارش آنچه را که مورد توجه است و باقی مانده بیان می‌نماییم. در سابق به نام کن کابار معروف بود؛ و اکنون هم ایرانیان به اسمی نزدیک به آن یعنی کنگاور می‌خوانند. همین برای افتخارش بس که اسامی کلیه آثار قدیم ایران عوض شده ولی این یک تا به حال پابرجا و اسمش در تاریخ باقی مانده و تاریخ‌نویسان به این نامش می‌خوانند. این محل قدیمی‌ترین بنا را در بر دارد و بر اساس شهادت یک جغرافیا[دان] یونانی در کن کابار معبدی مشهور جهت دیان ساخته بوده‌اند؛ که حدس قوی می‌رود که، خرابه‌هایی که حالیه در کنگاور است به این معبد مربوط باشد. درباره‌اش سیاحان و محققین بیشتر به شک صحبت داشته چه سطحی در آن غور کرده‌اند. این رویه کاملاً مخالف با دیانت است و باید آن را ترمیم کرد؛ زیرا حقی عظیم به گردن ما دارد و بایستی به‌خوبی درباره‌اش تحقیق روا داشت.

وضع کنگاور را چندین تپه تغییر داده‌اند. سازنده معبد آن را بر روی تپه‌ای منفرد به سمت جنوب و تقریباً به وسط تپه‌ها بنا نموده است. اگر کاشفین و سیاحان از آن صحبتی نداشته، در اثر این است که به زیر آوارهای خانه‌ها پنهان شده است و بیشتر قسمت‌های این معبد جزو خانه‌ها و کوچه‌ها گردیده. قسمت پایینش تختی عظیم برای ناحیه‌ای از شهر جدید به کار رفته؛ به‌علاوه برای بناهای ساکنین مصالح خوبی دارد و نیز چه بهتر که خانه‌های خود را به تخته‌های مرمر و ستون‌های سنگی این معبد متکی بسازند. اکنون از آجرهایش در ساختمان‌ها به حد وفور یافت می‌شود که چشم از نگرستن به آن‌ها خیره می‌شود. از بقایایش می‌توان به کنه بنا و طرز بنایش پی برد، اما در اثر آنکه بیشتر قسمت‌های این معبد را مالکین جزو خانه‌های خود کرده‌اند، نمی‌توان صحیحاً نقشه آن را در نظر گرفت؛ لیکن ما بر آنیم که، تا حد ممکنه به خود زحمت

در سه کیلومتری به جنوب غربی کنگاور تپه وسیعی است که معدن سنگ دارد. چنین مفهوم می‌گردد در آن کار کرده و سنگ‌های مستخرجه را برای ساختمان این معبد به کار برده‌اند. در مجاور این معبد ستون‌هایی باقی است که ناتمام مانده‌اند. آیا از این معدن است که سنگ‌های مرمر را به دست آورده و در ساختمان معبد به کار برده‌اند؟ یا اینکه ستون‌های ناتمام‌مانده را برای دیگری تراشیده‌اند؟ عقیده دوم بیشتر به حقیقت نزدیک است، نه تنها از تعداد بی‌شمار ستون‌های نیمه‌کار، بلکه از سنگ‌های زیادی که در یک صفحه توده کرده‌اند.<sup>۲۰</sup>

اطلاعات زیر از متن فوق حاصل می‌شود:

۱. اوژن فلاندن بنای تاریخی کنگاور را معبد دیان می‌داند.
۲. این اظهار نظر او، به گفته خود فلاندن، بر پایه گزارش ایزیدور خاراکسی است.
۳. فلاندن از به کار رفتن مصالح بنای تاریخی در خانه‌های مردم خبر می‌دهد. همچنین اشاره می‌کند که، برای بناهای ساکنین مصالح خوبی دارد و نیز اینکه خانه‌های خود را به تخته‌های مرمر و ستون‌های سنگی این معبد متکی کنند، یک حسن می‌داند و می‌افزاید: «اکنون از آجرهایش در ساختمان‌ها به حد وفور یافت می‌شود که چشم از نگریستن به آن‌ها خیره می‌شود». بر اساس این بخش می‌توان بخشی از مصالح بنای تاریخی را آجرهایی منقوش دانست.
۴. فلاندن درباره شیوه هم‌نشینی بنا با روستا، ابعاد صدفه و تختگاه بنا، تزیینات ستون‌های بنا و ابعاد آن‌ها، و... توضیح نسبتاً کاملی داده است.

#### ۲.۴. سفارت فوق‌العاده ایران (ایران در ۱۸۳۹ - ۱۸۴۰ م)

سرسی در کتاب خود آورده است:

[...] کنگاور دهکده بزرگی است. حتی عتیقه‌فروشان آن را

داده، از طرز بنا، تزیین‌آلات و معماریش با خبر گردیم. بنا بر این به طرح نقشه آن مبادرت کرده و به جزئیات وارد شدیم. این بنا مستطیل‌شکل و طولش متجاوز از ۲۰۰ متر بوده، جلوخانش به طرف جنوب و ایوانش، که نمی‌توان جایش را صحیحاً مشخص ساخت، چند پله از زمین بلندتر و امروز پله‌ها تماماً از بین رفته‌اند. تنها از بقایای آن می‌توان به قسمت درونی معبد پی برد. و وقتی از پلکان بالا رویم منتهایش کف معبد است که، ورقه عظیم مرمری ممزوج با سیمان آن را مفروش ساخته است.

در سمت مغربش مسجد کوچکی بنا شده و به طرف شمال غربی آن کوچه‌ای است که بهترین و مهم‌ترین قسمت بنا در این گوشه واقع شده است. این قسمت معبد بر روی پایه‌های زیبایی از مرمر سفید بنا گردیده و ارتفاع این پایه را نمی‌شود حساب کرد. مگر اینکه نیم‌رخ صدفه مشاهده گردد. در این محل به کمی حفاری پرداخته شده که، گویا در اثر اجازه ندادن ساکنین متروک گردیده است. در این قسمت نه پارچه ستون مرمر سفید یافت می‌شود و این ستون‌ها در جرز دیواره‌های خشتی خانه‌ها است و اتکای خوبی برای بناهای اهل محل هستند.

پهنای بنا از قطعه‌ای، که به سمت مشرق می‌گردد، معلوم می‌شود و طولش هم از انتهای بالایی پلکان است تا گردشی که از زاویه وجه غربی به سمت شمال می‌پیچد.

نیم‌رخ پایه‌ها و قواعد ستون‌ها به سبک یونانی است. وضع سرستون‌ها را نمی‌توان قیاس کرد، ولیکن به نظر چنین می‌آید که، طرحی داشته‌اند. در اولین وهله هرکس تصور می‌کند که، این نیم‌رخ‌ها شباهت تام با معماری یونانی دارد، زیرا که چون جزئیات ناتمام مانده نمی‌توان طبقه‌بندی درستی برایشان قایل گردید. اما سرستون‌های خیلی پست و خمیده کنگاور با سبک معماری یونان خواص یکسان دارند. مثلاً قسمتی از آن‌ها شبیه سبک چهارم کرتین است، که از همه مجلل‌تر است. بعضی در قسمت‌های بالایی خود خطی منحنی به چهار وجه دارند، که با سبک معماری یونانیان یکسان است. منتهای این ستون‌ها دایره و خمیده می‌باشد.

۲۰. اوژن فلاندن، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ص ۱۸۸-۱۹۰.



خیلی خوب می‌شناسند، زیرا در کنارش خرابه‌هایی وجود دارد که، می‌گویند از عهد ساسانیان است. بعضی عقیده دارند که، ویرانه‌های معبدی است که به دستور اسکندر برای رب‌النوع دیان ساخته شده است.

اما عده‌ای نیز معتقدند که، آن فقط بنای مستحکمی است که در همان زمان به وسیله ایرانیان برپا شده است تا بتوانند خود را در برابر طغیان‌های احتمالی حفظ کنند. به هر حال اکنون در میان این ویرانه‌ها هشت ستون سنگی دیده می‌شود که از ۳ تا ۴ پا قطرشان است و روی پایه‌ای قرار گرفته است که مانند پایه ستون به رنگ خاکستری است. اگر در این ناحیه تفحصات دقیقی شود شکی نیست که، از این گونه ویرانه‌ها زیاد دیده خواهد شد. مثلاً مردم کنگاور می‌گویند کمی دورتر از آنجا راهی زیرزمینی است که با این ساختمان ویرانه ارتباط دارد. در حال حاضر این ستون‌ها چند خانه ویرانه را که مسکن دهقانان فقیر است محافظت می‌کند.

کنگاور در محل مناسبی ساخته شده است و آب فراوانی دارد و اگر در ایران نبود می‌توانست شهر آبادی شود. این دهکده در بلندی قرار گرفته است و در اطرافش دره‌های حاصلخیزی وجود دارد. در واقع مکانی است که برای گذشتن از اصفهان به همدان ناچارند از آن عبور کنند. به همین سبب نزدیک‌ترین راه بین پایتخت قدیم ایران و تبریز است. ولی اکنون دهکده‌ای بیش نیست که فاقد هرگونه اهمیت است و در اطرافش عده‌ای راهزن و صحراگرد اقامت دارند.<sup>۲۱</sup>

اطلاعات زیر از متن فوق از کتاب مذکور به دست می‌آید:

۱. سرسی سه عملکرد را برای بنای تاریخی کنگاور محتمل می‌داند که همگی بر اساس شنیده‌هایش است. اول آن را خرابه‌هایی از عهد ساسانی گفته و سپس آن را ویرانه‌های معبد دیان می‌خواند که به دستور اسکندر ساخته شده است؛ و در آخر اظهار می‌کند که، شاید تنها بنای مستحکمی باشد که مردم آن را برای حفظ جان خود در برابر طغیان‌های احتمالی ساخته‌اند.

۲. او بر اساس گفته‌های مردم، راهی زیرزمینی را در اطراف منطقه بیان می‌کند که، به بنای مذکور ارتباط دارد.

۳. سرسی کنگاور را شهری بر سر نزدیک‌ترین راه ارتباطی پایتخت قدیم ایران و تبریز می‌خواند.

### ۳.۴. سفرنامه جکسون (ایران در گذشته و حال)

ابراهام ولنتاین ویلیامز جکسون (۱۸۶۲-۱۹۳۷) استاد دانشگاه کلمبیا بود و مدت چهل سال تدریس زبان‌های هند و ایرانی را در آن دانشگاه بر عهده داشت. او در سال ۱۹۰۱ راهی هندوستان و در آنجا با پارسیان هند از نزدیک آشنا شد. در ۱۹۰۳ برای نخستین بار به ایران و آسیای میانه سفر کرد و در این مسافرت بود که از کوه بیستون بالا رفت تا سنگ‌نوشته داریوش بزرگ را از نزدیک بخواند. حاصل سفر ایشان کتاب *ایران در گذشته و حال* بود. ایشان در این کتاب ذیل فصل شانزدهم با عنوان «معبد بزرگ و ویران دیانای ایران در کنگاور» نوشته است:

کنگاور شهر کوچکی است با قدمت بسیار، که مستقیماً بر سر راه بیستون به همدان قرار گرفته است، و جایگاه ویرانه‌های مهمی است که اکنون به شرح آن‌ها می‌پردازم، زیرا این‌ها ویرانه‌های معبد آناهیتا، دیانای ایران باستان است. [...]

از میان دشتی حاصلخیز پیش رانیدیم، و هنوز ظهر نشده بود که به کنگاور رسیدیم. قصبه کنگاور در حدود پنجاه و یک کیلومتری بیستون با چهار فرسخی صحنه واقع است، و اکنون در حدود هشتصد خانه و حدود هشت‌هزار نفر سکنه دارد.

[...] کنگاور از نقاط واقعاً قدیمی است، جغرافیانویس یونانی، ایسیدوروس خراکسی، در قرن اول میلادی آن را به نام کنکوبار می‌شناخته است. توجه من یکباره به بعضی از خصوصیات محل آن جلب شد. تپه‌های کوتاهی که آن را احاطه کرده بودند، و بر تارک بعضی از آن‌ها ساختمان‌هایی بر پایه ساختمان‌هایی قدیمی‌تر قد برافراشته بود، بلافاصله وجه اشتقاق و ریشه‌ای برای

۲۱. کنت دو ادوارد سرسی، سفارت فوق‌العاده کنت دو سرسی، ص ۲۲۱ و ۲۲۲.

ساختمان را تشکیل می‌دهند بازمانده‌های سکوی بزرگی است که، گرداگردش ستون‌ها برافراشته بوده و عمارت اصلی در وسط آن قرار داشته است. به عنوان مثال کرپورتر، که در سال ۱۸۱۸ از این ویرانه‌ها دیدار کرده است، تمام حصار را محوطهٔ معبدی می‌داند که، دیوارهایش سکوی راست‌گوش عظیمی را به وجود می‌آورند که، حدود سیصد متر مربع مساحت دارد و بر بالای آن ردیف ستون‌ها سربرافراشته است و نقاشی فلاندن و طراحی‌های تکسیه، که ظاهراً مأخذ و منبع عمدهٔ اطلاع دیولافوا بوده‌اند، نقشه‌ای از چگونگی قرار گرفتن سکو و حصار معبد به دست می‌دهند.

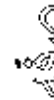
باری دربارهٔ جزئیات عمارت به طور یقین سخن گفتن وقتی ممکن است که، جایگاه عمارت مورد بررسی دقیق مجدد قرار گیرد، و نیز لازم است حفاری‌هایی بشود و خانه‌های جدید و عمارات کهنه‌ای، که یا بر روی ویرانه‌های قدیمی و یا برای استفاده از مصالح موجود در میان آن‌ها ساخته شده است، از سر راه برداشته شوند.

این تصور را که ساختمان اصلی به صورت سکوی وسیعی بوده، که برفراز آن عمارات دیگر بنا شده است، گفتار یاقوت دربارهٔ کنگاور، در حوالی ۱۲۰۰ میلادی، را تأیید می‌کند. [...] آن قسمت از بنا که بهتر باقی مانده است در گوشهٔ شمال غربی واقع است. در آنجا دیوار حایل محکمی را می‌توان دید که ۵/۳ تا ۵/۴ متر ارتفاع دارد و به طول یازده متر در امتداد شمال به جنوب کشیده شده است، و مطابق حدس من پایه و شالودهٔ عمارت واحدی را تشکیل می‌دهد. دیوار شمالی نیز که با زاویهٔ قائم از این نقطه به سمت مشرق امتداد می‌یابد همین اندازه حجیم و سترگ است و از تخته‌سنگ‌های خرابی درست شده است، که بعضی از آن‌ها هفت پا طول، چهار پا ارتفاع، و به همین نسبت پهنا دارند، هرچند اندازه‌گیری سنگ‌ها آسان نیست، زیرا قسمتی از دیوار در زیر خاک و زباله مدفون گشته است. برفراز این خاکریز سر جرز بزرگی قرار دارد که به منزلهٔ پایه‌ای برای

واژهٔ کنگاور به خاطر گذرانید، واژهٔ کنگاور یا کنگور یا کنکور را که در یونانی به صورت Korkobap ضبط شده است می‌توان مشتق از صورت فرضی اوستایی (Kanhara-Vara) دانست که به معنای «حصار کنگه» یا «حصار کنگ» می‌باشد. جزء اول این کلمه مرکب احتمالاً اسم خاص است، و دروازه‌های اوستایی از قبیل Kanha-daeza و همچنین در شاهنامهٔ فردوسی در لغت «کنگ‌دژ» باقی مانده است. جزء دوم، یعنی Vara به معنای «حصار» با نام «ور» جمشید هم‌زاد است. تپه‌ها و ارتفاعاتی، که کنگاور را در میان گرفته‌اند، این توصیف را مناسب، و وجه اشتقاق پیشنهادی مرا محتمل می‌سازند.

از میان بناها و عمارت‌های کنگاور یک یا دو مسجد و ارگی آجری جالب توجه است، ولی این‌ها در مقایسه با ویرانه‌هایی که در دل قصبه واقع شده است و می‌بایست زمانی عمارتی باشکوه بوده باشد، بی‌اهمیت به نظر می‌رسند. در دل قصبه، در گذرگاه اصلی و نزدیک کاروان‌سرای بزرگ، آثار دیواری از تخته مرمرهای عظیم سفید، که با دقت تراشیده شده‌اند، باقی مانده است که برفراز آن ستون‌ها و جرزهایی شکسته به چشم می‌خورند، و طرح حصاری عظیم از عمارات را مجسم می‌سازند. سبک معماری بنا کاملاً یونانی است، و من دربارهٔ ویرانه‌های آن یادداشت‌هایی برداشتم و نمی‌دانستم که آنجا موضوع مطالعه و بررسی عمدهٔ بسیاری از دانشمندان بوده است. از این رو در اینجا یادداشت‌های خود را، به همان ترتیب که سوار برداشته‌ام، نقل و هر جا که لازم باشد آن‌ها را با منابع دیگر تکمیل یا اصلاح می‌کنم.

تا آنجا که مشاهدات من اجازه می‌دهند، چنین به نظر می‌رسد که، این ویرانه‌ها از دو ساختمان بزرگ برجای مانده است، یکی در شمال غربی که مستقیماً بر خیابان اصلی واقع شده، و دیگری به مسافتی در جنوب شرقی که بر لبهٔ شیبی قرار گرفته است. ولی نویسندگان معتبری چون کرپورتر، تکسیه، فلاندن، کوست، و دیولافوا، که در چنین مواردی من به قضاوت و حکم آن‌ها مراجعه می‌کنم، معتقدند که، تخته‌سنگ‌های خرابی که



نگهداری چندین ستون بوده است. سه تا از این ستون‌ها، که قطر هر یک تقریباً دو متر است، هنوز در موقعی که من از آنجا دیدار می‌کردم نیز بر دیوار شمال غربی برپا بودند و علت برپا ماندنشان نیز آن بود که در میان دیوار پهلویی خانه جدیدی قرار گرفته بودند [...].

ستون چهارم، در منتهی‌الیه زاویه فوقانی پایه، در نقطه‌ای، که دیوار به جانب شرق می‌چرخد، هنوز برپا ایستاده است و سر ندارد، و چون منفرد است به‌خوبی می‌توان آن را اندازه گرفت. از زمان کرپورتر تا به حال چند تا از ستون‌ها افتاده‌اند، زیرا کرپورتر از پایه‌های هشت ستون که هنوز ستون‌هایشان برپای بوده و خیلی خوب باقی مانده است سخن می‌گوید، و این به ظاهر غیر از پایه ستون مربعی است که مجاور ستون بر منتهی‌الیه فوقانی قرار دارد. [...]

راهنمایم را به سوی مشرق در امتداد برآمدگی دنبال کردم و سپس در میان کومه‌ای از زباله و خاک‌روبه به سمت جنوب پیچیدم، و در زاویه جنوب‌شرقی به توده‌ای از سنگ‌های عظیم برخوردیم، که به طور نامرتب در اطراف پراکنده شده بودند، گفتی عمارت فروریخته بود. اما من می‌توانستم رد طرح کلی دیواری را که تقریباً سی متری به شمال و جنوب امتداد می‌یافت [...]. تشخیص دهم. سنگ‌ها مانند سنگ‌های گوشه شمال غربی بزرگ بودند و استوانه‌ای خارا، که از شیب فروغلتیده بود و تقریباً به ابعاد ۵ پا در ۸ پا بود. پایه ستون دیگری همچنان در جای اصلیش در خط دیوار باقی بود، و نزدیک آن ته ستون دیگری قرار گرفته بود، که حدود یک متر از سطح زمین ارتفاع داشت. در میان حصار، آنجا که عمارت اصلی بنا شده بود، قسمتی از یک ستون برپا بود، که در وسط عکس مربوط دیده می‌شود، و به نظر می‌رسید که بر پایه‌ای از سنگ و ساروج قرار داده شده است، و چون میانش اندکی گود بود، مانند مذبح یا سکوی اهدای نذورات می‌نمود، ولی شاید سرستون واژگونی بیشتر نبود. هنگامی که مشغول بررسی خرابه‌های باستانی کنگاور بودم، به نظریه پیشین

۲۲. ویلیامز جکسون، سفرنامه جکسون، ص ۲۷۳-۲۸۱.

خود گرایش داشتم، و معتقد بودم که این ویرانه‌ها بازمانده‌های معبد آناهیتا، ایزد ایرانی آب‌های آسمانی، بود که یونانیان وی را با آرتیمیس یا دیانا یکی می‌دانستند، و پرستش وی در زمان اردشیر [...]. در سراسر ایران شایع بود.

چون به کتابخانه‌ام دسترسی یافتیم توانستم مدارکی از نویسندگان کلاسیک در تأیید نظر خویش درباره هویت معبد به دست آورم، و در ضمن دریافتم که در بازشناختن این راز تا حدی دیگران بر من پیش‌قدم هستند. جغرافیادان یونانی، اسیدوروس خاراکسی، [...]. از کنگور به اسم کنکوربا نام برده و به معبد آن که متعلق به آرتیمیس است اشاره کرده است. [...]

بنا بر این معبد ویران کنگاور معبد خاص اردویسورناهیید، ایزد آب‌ها است. موقعیت کنگاور برای ساختن پرستشگاهی جهت این ایزد موقعیت مناسبی بوده است، زیرا در میان قصبه آبشار کوچکی است، که آب‌هایش را به میان دشت می‌ریزد، و پس از آبیاری آنجا به رود گاماسب می‌پیوندد، [...].

نظر من که معبد را از عهد هخامنشی می‌دانم و معتقدم که به وسیله اردشیر دوم بنا شده است، با نظر دیولافوا موافق نیست، زیرا وی معتقد است که ویرانه‌های معبد ترکیبی از سبک معماری را نشان می‌دهد، و ستون‌های آن به طرح ستون‌های دوریک است، معماری آن شباهتی به معماری تخت جمشید که دارای خصوصیات سبک مصری است ندارد، و لذا باید آن را از دوره پارتیان بدانیم و بنای آن را به یکی از شاهان اشکانی، که همگی شدیداً تحت نفوذ تمدن یونانی قرار داشتند، نسبت دهیم.<sup>۲۲</sup>

اطلاعات زیر از متن فوق به دست می‌آید:

۱. جکسون بنای تاریخی کنگاور را معبد آناهیتا می‌داند و برای آن به گفته ایزیدور خاراکسی استناد می‌کند.
۲. ایشان وجه تسمیه جالبی برای کنگاور آورده و آن را به «گنگ‌دژ» اسطوره‌ای نسبت داده است.
۳. ایشان اشاره می‌کند که کنگاور بر سر راه بیستون به همدان قرار دارد.

سفرنامه درباره کنگاور چنین آمده است:

روز چهارشنبه بیست و سوم [رجب] امروز باید رفت به صحنه. پنج فرسنگ سنگین است. صبح از خواب برخاسته، سوار شدیم. [...] رفتیم به ده کنگاور برای تماشای قصرالنسوس [قصر الصوص] که اعراب اسم گذاشته‌اند. [...] کوچه‌های کنگاور بسیار کثیف است. خانه‌ها کهنه و خراب است. قلعه [...] در بالا عمارت و درخت در میانش هست [و] حاکم‌نشین است. هفتصد، هشتصد خانوار دارد خیلی از کوچه‌ها رفتیم. قصبه پست و بلند است. تا رسیدیم به جایی که شش ستون داشت و روی این ستون‌ها حالا مردم خانه ساخته‌اند. ارتفاع ستون‌ها تمام شده است. اما قطر زیاد دارد. خیلی قطر دارند. سه بغل آدم نمی‌آید.

اینجا معبدی یا عمارتی بوده است، بسیار قدیم. البته دوهزار سال قبل از این، و این ستون‌ها دورتادور این تپه بوده است. حال همین شش ستون است و پی غریبی دارد که از سنگ بزرگ و گچ پر کرده‌اند. به طوری با استحکام پر کرده‌اند که به وصف نمی‌آید. اهالی کنگاور متصل این پی‌ها را می‌کنند و گچ اینجا را می‌برند به اطراف می‌فروشند و کار می‌کنند. گچ اینجا را در قدیم از لرستان آورده‌اند و سنگ ستون‌ها را از معدن شیرمردان (که کردها شل‌مران می‌گویند) آورده‌اند، و در کوه کوچک میانه مغرب و جنوب قلعه کنگاور است از بقیه نصف کار ستون‌ها می‌گویند هنوز پای معدن است و آن شبیه است به همین سنگ‌های ستون) می‌آورده‌اند، که نزدیک کنگاور است.

خلاصه بعد از تماشا که تماشایی بد است، رفتیم پایین به جلگه راندیم.<sup>۲۳</sup>

اطلاعات زیر را از متنی که گذشت می‌توان به دست آورد:

۱. در این متن لفظ قصر الصوص به خود بنای تاریخی کنگاور اطلاق شده است.
۲. نویسنده بنا را معبد یا عمارتی می‌داند که، حدود دوهزار سال قدمت دارد.
۳. در متن آمده است که، پی بنا را از سنگ و گچ پر کرده‌اند،

۴. نویسنده در این گزارش به طور بسیار جامع وضعیت بنا را در زمان بازدیدش توضیح داده است.

۵. جکسون سبک معماری بنا را کاملاً یونانی تلقی کرده است.

۶. همچنین اعتقاد دارد که، تاریخ پیدایی بنا به زمان هخامنشیان بازمی‌گردد و به دست اردشیر دوم ساخته شده است.

#### ۴.۴. سفرنامه هانری بایندر (کردستان، بین‌النهرین، و ایران)

این سفرنامه در اصل شرح سفر دو تن فرانسوی به نام‌های هانری بایندر و امیل هاملن است که در اواخر قرن نوزدهم به ایران سفر کرده‌اند. درباره کنگاور و بنای تاریخی آن در این سفرنامه چنین آمده است:

دوست داریم بقایای معبد دیان که آقای فلاندن آن را خاطر نشان ساخته ببینیم. در زمان سفر فلاندن این معبد تا نیمه در زیر آوار مدفون بوده است. امروزه آثار جالبی از آن باقی نمانده، اهالی بر روی صفت معبد، زیربنای آسانی برای خانه‌های خود یافته و از تنه‌های ستون تکیه‌گاه‌هایی برای خانه‌ها به وجود آورده‌اند. اکنون معبد در زیر محلاتی از دهکده مدفون گشته است.<sup>۲۴</sup>

اطلاعات زیر حاصل از این متن است:

۱. نویسنده در این متن با استناد به گفته‌های فلاندن بنای تاریخی کنگاور را معبد دیان معرفی کرده است.
۲. او در این متن از به کار رفتن مصالح بنا در ساختمان‌های ساکنان روستای روی صفت خبر می‌دهد و به نقش عامل انسانی در تخریب بنای تاریخی کنگاور اشاره می‌کند.

#### ۴.۵. سفرنامه ناصرالدین‌شاه به عتبات

این سفرنامه گزارش روزانه سفر ناصرالدین‌شاه به کربلا و نجف اشرف در سال ۱۲۸۷ق است. سفر او از مسیر رباط‌کریم، ساوه، همدان، اسدآباد به سوی کنگاور ادامه پیدا می‌کند. در این

۲۳. هانری بایندر، سفرنامه هانری

بایندر، ص ۴۲۷.

۲۴. ناصرالدین‌شاه، شهریار جاده‌ها

(سفرنامه ناصرالدین‌شاه به عتبات)،

ص ۳۷.

سپس به استحکام فوق‌العاده پی اشاره کرده است.

۴. در متن آمده است که، مردم مصالح پی‌ها را می‌کنند و به نواحی اطراف می‌فروشند. این نکته به نقش پررنگ انسان در تخریب بنای مذکور اشاره می‌کند.

۵. نویسنده در متن به معادنی اشاره کرده است که در قدیم محل تأمین مصالح بنا بوده است: «گچ اینجا را در قدیم از لرستان و سنگ ستون‌ها را از معدن شیرمردان می‌آورده‌اند».

اشاره‌ای که به گزارش خاراکی در گزارش آمده است، به نظر می‌رسد که، مأخذ اصلی او برای قضاوت درباره کارایی بنا گزارش ایزیدور خاراکی بوده است.  
۲. همچنین گروه تاریخ پیدایش بنا را هخامنشی یا پارتی می‌داند.

### تحلیل اطلاعات سفرنامه‌ها

بنا بر آنچه در این بخش آمد به نتایج کلی زیر می‌توانیم دست یابیم:

۱. در تمامی سفرنامه‌هایی که از نظر گذراندیم با احتمالی بنای تاریخی کنگاور را معبد دیان یا آناهیتا دانسته‌اند.
۲. به جز سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات و کتاب سفارت فوق‌العاده ایران در دیگر متون مأخذ نویسندگان برای نظر دادن به معبد بودن بنای کنگاور، به طور مستقیم یا با واسطه، گزارش ایزیدور خاراکی است. همان طور که پیش‌تر در تحلیلی درباره گزارش ایزیدور خاراکی آمد، متن مذکور نمی‌تواند منبع معتبر و قابل دفاعی برای چنین اظهار نظرهایی به حساب آید، از این رو باید با دیده تردید به اظهار نظرهای این دسته از منابع نگریست.
۳. تنها در سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات و کتاب سفارت فوق‌العاده ایران احتمالی برای معبد نبودن بنا در نظر گرفته‌اند. در سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات بنا را عمارت یا معبدی عظیم خوانده‌اند و از این حیث احتمالی برای معبد نبودن بنا نیز باقی گذاشته‌اند. در کتاب سفارت فوق‌العاده ایران نیز نویسنده دو احتمال دیگر را نیز در نظر می‌گیرد: یکی اینکه بنا از ویرانه‌های عهد ساسانی باشد و دیگر اینکه تنها بنای مستحکمی باشد که مردم برای حفاظت از خود در برابر طغیان‌های احتمالی برپا کرده‌اند.
۴. سفرنامه‌نویسان در باب زمان پیدایش بنای تاریخی کنگاور در متون مذکور، نظرهای متفاوتی اظهار کرده‌اند

### ۴.۶. سفرنامه گروته

دکتر هوگو گروته نویسنده این کتاب، جغرافی‌دان و قوم‌شناس مشهور آلمانی است که در سال ۱۹۰۷ از راه بین‌النهرین به ایران آمد. ایشان در سفری شش‌ماهه به ایران از کنگاور هم دیده‌اند و بنای تاریخی آن را این‌گونه گزارش کرده‌اند:

کنگاور دارای هفتصد خانوار است. هنگام گردش در خیابان اصلی شهر، که از شمال به طرف جنوب کشیده شده، به ویرانه معبدی برمی‌خوریم که، روی سطحه‌ای به ارتفاع ۵/۴ متر قرار دارد. این معبد، که از سنگ‌های سخت گرانیت ساخته شده، دارای چهار ستون به سبک دوریک است. قطر این ستون‌ها به ۲ متر می‌رسد. این معبد احتمالاً زمان پارت‌ها یا شاید هم زمان هخامنشیان ساخته شده است و تأثیر هنر یونان را، که در دوران باستان در ایران بسیار رواج داشت، به‌خوبی نشان می‌دهد. یکی از جغرافی‌دانان یونان به نام ایزیدور خاراکیس، که در قرن اول میلادی از سرزمین ماد دیدن کرده است، در اثر مشهورش به نام مسافرت به دور پارت از شهری به نام کنکوبار یاد می‌کند و می‌گوید که، در آنجا معبدی برای آرتیمیس وجود داشته است. یونانیان آناهیتا الهه آب‌های روان ایران را که نامش در توصیف طاق بستان ذکر شد با آرتیمیس یکی می‌شمرده‌اند.<sup>۲۵</sup>

اطلاعات زیر از متن فوق حاصل می‌شود:

۱. گروه بنای تاریخی کنگاور را معبد می‌داند. با توجه به

۲۵. هوگو گروته، سفرنامه گروته، ص ۱۴۹ و ۱۵۰.



هرتسفلد در این متن با استناد به گزارش ایزیدور خاراکسی بنای تاریخی کنگاور را معبد خوانده است. همچنین معماری بنا را تحت تأثیر معماری یونان قلمداد کرده است.

## ۵.۲. واندنبرگ

واندنبرگ در کتاب *باستان‌شناسی ایران* آورده است:

کنگاور که ایزیدور از اهل خاراکس قرن اول پیش از میلاد، در کتاب *تاریخ اشکانیان* آن را «کنکوبار» نامیده، دارای آثاری از زمان سلوکی‌ها می‌باشد که، در حدود ۲۰۰ سال پیش از میلاد ساخته شده. از معبدی که برای الهه آناهیت در این محل ساخته شده بود، بیش از چند ستون باقی نمانده که برای ساختمان خانه‌های شهر به کار برده شده است. ساقه این ستون‌ها صاف بوده و سرستون آن‌ها از نوع سرستون دوری می‌باشد که، روی آن یک «بالش کرتتی» قرار داده‌اند.<sup>۳۷</sup>

در این متن واندنبرگ با استناد به گزارش ایزیدور خاراکسی بنای تاریخی کنگاور را معبد آناهیتا خوانده است. همچنین تزیینات معماری آن را برگرفته از معماری یونان قلمداد کرده است.

## ۵.۳. کلمان هوار

کلمان هوار در کتاب *ایران و تمدن ایرانی* آورده است:

در کنگاور، که در عصر باستان کنکوبار نام داشت، بازمانده‌های پرستشگاهی یافت شده است که، در سبک آرایش شباهت زیادی با معابد یونانی دارد. این بنا از یک تالار مرکزی و حیاط پهناوری ساخته شده و بدلی از سبک معماری یونانی است. ایزیدور خاراکسی می‌گوید که، بنای کنگاور پرستشگاه آرتمیس بود. در اکباتان یا همدان کنونی معبدی از جهت پرستش آناهیتا قرار داشته که تا دوره برخورد ایرانیان با رومیان هنوز مردم برای این ایزدبانو قربانی می‌کرده‌اند.<sup>۳۸</sup>

کلمان هوار در این متن باز هم با استناد به گزارش ایزیدور

و می‌توان گفت که ایشان بنا را به هر یک از سه دوره هخامنشی، پارتی، و ساسانی نسبت داده‌اند. از این رو نمی‌توان به اجماعی میان نظرات ایشان در این باره رسید.

۵. اما آخرین نکته اینکه، کامل‌ترین گزارش‌ها و توصیف‌ها از وضعیت بنای تاریخی کنگاور در دو سده اخیر را می‌توان در این دسته از منابع جست. در این دسته از منابع گاهی به نکاتی جالب در باره بنا، مانند محل تأمین مصالح ساختمانی بنا، برمی‌خوریم که، در گزارش‌های مورخان و جغرافی‌دانان نبود.

## ۵. دیدگاه پیشگامان و صاحب‌نظران

### باستان‌شناسی در ایران

#### ۵.۱. ارنست هرتسفلد

هرتسفلد در کتاب *تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی* در سال ۱۳۱۳ش آورده است:

در آثار ادبی نیز مآخذی در باره ابنیه «استخر» و «خوره» در دست نیست، ولی در باب «کنگاور» در کتاب *جغرافیای ایران* تألیف ایزیدور چرکسی در سال اول قبل از میلاد، نام برده شده است.

این کتاب را مولف به فرمان اوگوستوس قیصر روم برای کاپوس قیصر تألیف کرده است که، قیصر در آن موقع خود را حاضر می‌کرده که، حمله اسکندر را در مشرق تجدید کند. در کتاب *مواضع پارت* که اشاره به کتاب جغرافیایی ندارد، از شاهراه بزرگ، مابین «فرات» تا سرحد «هندوستان» از «کنگاور» نام برده و می‌گوید در آنجا معبد مشهوری است که برای خدای «آرتمیس» [...] ۲۰۰ سال قبل از تاریخ کتاب بنا شده است.

تجزیه و تحلیل معماری به صورتی عجیب از اشکال سرستون‌های سبک عصر «دوری» با مهره‌های سبک «کورینت» جزئیات آن معبد را نشان می‌دهد.<sup>۳۶</sup>

۳۶. ارنست هرتسفلد، *تاریخ باستانی*

*ایران بر بنیاد باستان‌شناسی*، ص ۹۴

و ۹۵.

۳۷. لویی واندنبرگ، *باستان‌شناسی*

*ایران باستان*، ص ۱۰۷.

هیچ اظهار نظر قطعی چه در باب تاریخ احداث بنا و چه در باب عملکرد آن نکرده است و تنها آن را «بنای عظیم با مصالح سنگ‌های بزرگ چهارگوشه و ساختمان ستون‌داری بر بالای آن» خوانده است.

### ۵. ۶. آندره گدار

ایشان در کتاب *هنر ایران* نوشته‌اند:

آثار باقی‌ماندهٔ ابنیهٔ عهد سلوکی در خاک ایران بسیار کم‌اند. در خورهه توابع محلات دو ستون از یک ساختمان زمان سلوکی و در کنگاور آثار معبدی از دورهٔ پارت‌های اشکانی دیده می‌شود که به نام الههٔ آنائی تیس نام‌گذاری شده است.<sup>۳۱</sup> ابنیهٔ مذهبی دورهٔ اشکانی، که اینک به آن بازمی‌گردیم، به صورت امکانی مرتفعهٔ «شامی» و «بدرنشانده» و آتشکده‌ای که به نام «مسجد سلیمان» معروف است و ساختمان قابل ملاحظهٔ «شیز» و معبد هلنیستیک «کنگاور» شناخته شده است. ساختمان اخیر، که ایزیدور خاراکسی آن را «معبد معروف آرتیمیز» (آناهیتا) می‌داند، احتمالاً متعلق به آخر قرن سوم یا اوایل قرن دوم پیش از میلاد است. در زیر بنای مرتفعی، که از قسمتی از حیاط باقی است، جز چند ستون که داخل خانه‌های شهر کوچک کنگاور شده چیزی به جا نمانده است و اشکالی از سبک‌های دوریک و کورنتی چنان در این ساختمان در هم آمیخته که آن را در ردیف ابنیه‌ای قرار دهد که به هیچ‌یک از بناهای دیگر به جز ساختمان خورهه و همچنین به معبدی که، آنتیوکوس سوم سلوکی به نام همسر خود لائودیس بنا نهاده و اخیراً در نهاوند کشف شده شباهت ندارد.<sup>۳۲</sup>

آندره گدار بنای کنگاور را معبدی هلنیستیک از زمان اشکانی دانسته است؛ سپس با اشاره به گزارش ایزیدور خاراکسی مأخذ اظهار نظر خود را آشکار می‌کند. پس از آن بنای تاریخی کنگاور را با بنای تاریخی خورهه و معبدی در نهاوند در یک گروه قرار می‌دهد.

خاراکسی و البته با تکیه بر مشاهداتش بنای تاریخی کنگاور را معبدی بسیار شبیه به معابد یونانی معرفی کرده است. او در تشبیه معماری بنا به معماری معابد یونانی تا آنجا پیش رفته که، آن را بدلی از سبک معماری یونانی خوانده است.

### ۵. ۴. گریشمن

گریشمن در کتاب *ایران از آغاز تا اسلام* آورده است:

در معبد کنگاور، پرستشگاهی با طرح غربی ساخته شده، و تصور می‌رود در حدود ۲۰۰ ق م بنا شده باشد. در ساختمان اصلی، استعمال قطعات سنگی سطحهٔ تخت جمشید تقلید شده، اما ستون‌های آن‌ها دارای سرستون دُری است که برفراز آن‌ها تخته‌های کرتی قرار گرفته است.<sup>۳۳</sup>

گریشمن بنای تاریخی کنگاور را پرستشگاهی با طرح غربی قلمداد می‌کند. اگرچه او نامی از ایزیدور خاراکسی نبرده است، از آنجا که تاریخ احداث بنا را ۲۰۰ قبل از میلاد معرفی می‌کند، و این تاریخ با تاریخ پیشنهادی گزارش خاراکسی انطباق دارد، می‌توان تصور کرد که احتمالاً ایشان هم، به طور مستقیم یا غیر مستقیم و از طریق تألیفات دیگر، از گزارش خاراکسی بهره برده‌اند.

### ۵. ۵. ایدت پرادا

پرادا در کتاب *هنر ایران باستان* آورده است:

در کنگاور نزدیک کرمانشاه، بقایای یک بنای عظیم با مصالح سنگ‌های بزرگ چهارگوشه و ساختمان ستون‌داری بر بالای آن، بر اساس اختلاف‌های مفروض با شیوه‌های ساختمانی پارتی، به وسیلهٔ هرتسفلد به دوران سلوکی نسبت داده شده است. به هر حال این اختلاف‌ها در هیچ بنای مسلم پارتی در ایران شناخته نشده‌اند.<sup>۳۴</sup>

می‌توان گفت که پرادا تنها بر مشاهدات خود تکیه کرده است. زیرا با وجود آنکه از آرای هرتسفلد آگاهی داشته است،

۲۸. کلمان هوار، *ایران و تمدن ایرانی*، ص ۱۱۷.  
 ۲۹. رومن گریشمن، *ایران از آغاز تا اسلام*، ص ۲۷۳ و ۲۷۴.  
 ۳۰. ایدت پرادا، *هنر ایران باستان*، ص ۲۵۷.  
 ۳۱. آندره گدار، *هنر ایران*، ص ۱۸۲.  
 ۳۲. همان، ص ۲۰۶.

## ۵. ۷. مالکوم کالج

مالکوم کالج در کتاب *پارتیان* آورده است:

[...] اما معماری دینی شاهنشاهی [پارتی] به تعداد رسوم آن پرتنوع نبود. در این بخش نشان از ابتکار در دو سده اول حکومت پارتی کمتر به چشم می‌خورد. سنت‌های کهن همچنان چنگ انداخته و از نفوذ خویش نمی‌کاستند.

در ۱۷۰ ق م پرستشگاه انو- انتوم در اوروک به شیوه کهن بابلی ساخته شد. سنت یونانی موجب پدید آمدن معبد‌های بسیار بزرگ (اگرچه از طریق اصلی انحراف بسته بودند) در خوره و کنگاور در مغرب ایران گردید. در اینجا یک حیاط بزرگ چهارگوش با دیوار بلند، که در کنار آن ستون‌ها قرار داشتند و در وسط معبدی به سبک یونانی، با ردیف ستون، و در مدخل آن ستون برپا داشته بودند، وجود دارد. انحرافی که معماران در شکل‌های یونانی در ساختن این مکان‌های مقدس پدید آورده‌اند مایه خنده میان باستان‌شناسان آثار یونان و روم شده است. در خوره معماران ستون‌ها شگفت بلند سنگی را برآورده‌اند، که پایه آن‌ها به سبک شرقی و بسیار برآمده است، با تنه یک میزان از سر و ته. بی‌تناسبی در نسبت‌های قطر پایه و بلندی ستون به ۱:۱۱ است. [...]

ایزدیور خاراکسی پرستشگاه کنگاور را به الهه آرتمیس یا به اصطلاح ایرانی آناهیتا نسبت داده است. حجاری آن سنت هخامنشی را نمودار می‌سازد. شکل معماری آن مشتمل است بر ستون‌های دوریک که برفراز آن قسمت هموار سرستون کورنتی بر پایه‌های ایونی قرار دارد.

شکل‌های کهن هنر یونانی چنان دگرگون شده‌اند که، به‌دشواری می‌توان با مقایسه تاریخ آن را تعیین کرد. اما گویا به دو سده اخیر پیش از میلاد مربوط می‌شود. عجیب آنکه معماری کنگاور گونه‌ای ظرافت در بردارد.<sup>۳۳</sup>

مالکوم کالج در نوشته‌اش معماری بنای کنگاور را تقلید سبک‌سرانه‌ای از معماری معابد یونان دانسته است و از این

حیث با دیده تحقیر به بنای کنگاور نگریسته است. البته جالب توجه است که در پایان نیز به ظرافت معماری بنای کنگاور اشاره کرده است.

او نیز با استناد به گفته‌های خاراکسی، بنای مذکور را معبد آناهیتا و متعلق به دوره پارتی می‌داند و از شباهت حجاری‌های آن به حجاری‌های هخامنشی سخن می‌گوید.

## ۵. ۸. آرتور اپهام پوپ

پوپ در کتاب *معماری ایران پیروزی شکل و رنگ* آورده است: ویرانه‌های کوچکی، که امروزه در کنگاور دیده می‌شود و تصور می‌رود حدود ۲۰۰ پیش از میلاد ساخته شده باشد، معبدی را نشان می‌دهد که دارای خصوصیات کاملاً یونانی است. فقط ابعاد بسیار زیاد آن، که هر طرف آن ۶۶۰ پا است، و سنگ‌های بسیار جسیم شالوده‌اش، که سنگ‌های صافه‌های هخامنشی را به خاطر می‌آورد، عناصر معماری ایرانی آن بنا را تشکیل می‌دهد. این بنا معبد ستون‌داری است، که، سرستون‌های آن نوع دوریک و تاج آن هم کرنتی بوده، به آناهیتا اهدا گردیده بود.<sup>۳۴</sup> پوپ در نوشته‌اش بنای تاریخی کنگاور را معبدی متعلق به آناهیتا با خصوصیات کاملاً یونانی و مربوط به ۲۰۰ پیش از میلاد خوانده است. او تنها شباهت این بنا به بناهای ایرانی را ابعاد عظیم صافه و سنگ‌های به کار رفته در آن می‌داند.

## ۵. ۹. ولادیمیر گریگوریچ لوکونین

ولادیمیر گریگوریچ لوکونین (رئیس اسبق بخش سکه‌های ساسانی موزه آرمیتاژ لنینگراد) در پاییز سال ۱۹۷۳ دعوت آقای سیف‌الله کامبخش‌فرد برای بازدید از بنای تاریخی کنگاور به ایران آمده‌اند. ایشان حاصل بازدید و مطالعاتشان درباره بنای تاریخی کنگاور را در مقاله‌ای گزارش کرده‌اند. متن مقاله در کتاب *معبد آناهیتای کنگاور* نوشته آقای دکتر کامبخش‌فرد آمده است. در ادامه گزیده‌ای از آن گزارش آمده است:

۳۳. مالکوم کالج، *پارتیان*، ص ۱۱۰ و

۱۱۱.

۳۴. آرتور اپهام پوپ، *معماری ایران پیروزی شکل و رنگ*، ص ۵۸.

عبادتگاه آناهیتا در کنگاور یکی از مشهورترین آثار باستانی ایران است که در جاده تاریخی بین همدان و کرمانشاه قرار دارد.

یادآوری درباره این معبد به کرات در منابع گوناگون ذکر شده است و در ابتدا ویرانه‌های معبد را به طور مفصل ا. فلاندن و پ. کست شرح داده بودند، طرح بازسازی معبد به شرح زیرین توسط آن‌ها پیشنهاد شده بود: سکویی به ابعاد  $230 \times 200$  متر از بلوک‌های سنگی انباشته گردیده و از چهار طرف تزیین و در ستون‌های سه‌ردیفه طوری ساخته شده که تشکیل زاویه قائمه داده‌اند. روی هم رفته ۱۴۴ ستون در یک ردیف و ۴۳۲ ستون در سه ردیف.

در مرکز کاخ، عبادتگاه به شکل مستطیل قرار گرفته که در بین ستون‌ها محصور شده است (۱۱ ستون به سمت طول مستطیل و ۶ ستون به سمت عرض مستطیل). در ورودی با دو ستون محافظت می‌شود.

پیشنهاد فلاندن و کست در بازسازی بیش از همه معابد یونان قدیم، پالمیرا را به خاطر می‌آورد. [...] من در پاییز سال ۱۹۷۳ به دعوت آقای دکتر کامبخش فرد از کنگاور بازدید نموده و چند روزی با مدارک حفاری آشنا گردیده و خود معبد را از نزدیک مشاهده نمودم. دکتر کامبخش فرد علاوه بر چندین نشریه قبلی در رابطه با نتایج حفاریات سال‌های ۱۹۷۲-۷۳، عکس‌های جالب و کتیبه‌هایی که در بلوک‌های پلاتفرم منقوش بوده، در اختیار من قرار داد.

در حال حاضر روی پله کنگاور، باستان‌شناسان طبقاتی کشف کرده‌اند که، مربوط به دوران اسلام بود و مربوط به دوران عباسیان می‌باشد و زیر آن‌ها قشری وجود دارد که، مربوط به اواخر دوره ساسانیان می‌باشد و نیز چندین محوطه و اتاق سرامیک و سکه‌های قرن اول تا سوم بعد از میلاد کشف گردیده است. زیر دیوار شرقی پلاتفرم قبرهای کوچکی (مدفون شده در خم‌ها) و چندین دفينه مربوط به اواخر دوره ساسانیان پیدا شده است. روی ایوانی، که ارتفاع آن به سمت شمال زیاد می‌شود،

در حال حاضر حمام قرن چهارم هجری و اواخر دوره ساسانیان حفر می‌شود. تا کار حفاری پایان نپذیرد، مشکل است درباره تمام خصوصیات معماری و همچنین زمان تأسیس این بنای یادبود پیچیده قضاوت کرد.

در حال حاضر هم در حفاریات و هم در چاه‌های اکتشافی موادی قدیمی‌تر از قرن اول میلادی به دست نیامده است، ولی تعمیر پلاتفرم هم‌اکنون نتیجه جالبی ارائه نموده است. در جلو دیوار سنگی پلکان سنگی دوطرفه به اندازه چهار قدم، که به پلاتفرم منتهی می‌شود، پیدا شده است (۲۶ پله، ارتفاع هر پله در حدود ۱۵ سانتی‌متر، عرض پله در حدود ۳۳ سانتی‌متر). دیوار جنوبی پلاتفرم دارای ستون‌هایی است که در هر طرف ۱۲ ستون از جنوب شرقی و جنوب غربی [وجود دارد] و به سمت مرکز ادامه ندارد.

در دیوار شرقی پلاتفرم اثر ۲۴ ستون در یک ردیف پیدا شده است. تپه مرکز پلاتفرم هنوز حفاری نشده است، ولی هم‌اکنون روشن است که، اگر در زیر آن واقعاً عبادتگاه مرکزی مخفی شده باشد، بایستی کاملاً چیز دیگری غیر از طرح بازسازی از فلاندن و کست باشد. با بررسی باقی‌مانده توده‌های سنگی دیواره‌های شرقی و جنوبی پلاتفرم خود ستون‌ها، که کاملاً ترمیم گردیده‌اند، جالب هستند، به طوری که معلوم شده آن‌ها هیچ وجه مشترکی با سایر کارهای کلاسیک ندارند. ستون‌ها به طور غیرمتعارف پست و کلفت هستند. مرتفع‌ترین آن‌ها فقط  $45/3$  متر و ضخامت آن‌ها بیش از  $5/1$  متر (اندازه بین ستون‌ها در همه جا به طور استاندارد  $75/4$  متر) است.

در جریان تعمیرات، بلوک‌های سنگی که از پلاتفرم دور ریخته شده بودند تمیز گردیدند. در سال ۱۹۷۰ مدیر حفاری در یکی از گزارشات خود یادآوری نمود که، در بسیاری از بلوک‌ها در طرف پشت آن‌ها علائیم و آثاری وجود دارند. [...] نشان‌ها و تصاویر گوناگون (صلیب‌های شکسته، نقش ماهی، و غیره) و علامت‌هایی، که مستقیماً شباهت به سکه‌شناسی دوره ساسانیان

شاهنشاه و الهه آناهیتا با تاج شاهنشاهی در دست‌ها به‌خوبی مشهور می‌باشند. کاخ از ستون‌های سنگی قرینه یکدیگر و به روش چیدن و تزیین سنگ‌ها، با استفاده از همان روشی که در کنگاور به کار رفته است، ساخته شده است.<sup>۳۵</sup>

لوکونین بنای تاریخی کنگاور را معبد آناهیتا می‌داند و بر وجود این بنا در قرن اول قبل از میلاد تردید ندارد. این اظهارات باز هم گزارش خاراکیسی و استنتاجات برخاسته از آن گزارش را به یاد می‌آورد، لیکن لوکونین به طور مستقیم اشاره‌ای به گزارش خاراکیسی نمی‌کند. باید در نظر داشت که لوکونین به دعوت آقای دکتر کامبخش‌فرد که بنا را معبد آناهیتا می‌دانند برای بازدید از بنا به ایران آمد و با نظریات پاسکال گُست و اوژن فلاندن آشنایی داشته است. از این رو می‌توان استنباط کرد که، ایشان نیز تحت تأثیر استنتاجات گزارش خاراکیسی قرار داشته‌اند. گفتنی است که، یکی از کامل‌ترین توصیف‌ها از وضعیت بنای تاریخی کنگاور در این مقاله هست.

## ۵. ۱۰. ژاک دومورگان

ژاک دومورگان در کتاب *مطالعات جغرافیای غرب ایران* آورده است:

باز دورتر در جهت غرب، شهر کنگاور است که بر خرابه‌های بنای عظیم، که به سبک معماری یونانی ساخته شده، قرار دارد. ستون‌های این بنا از سنگ مرمر خاکستری درست شده، که بر روی دیوارهایی که از تخته‌سنگ‌های مرمر تراشیده بالا آورده‌اند، قرار گرفته‌اند. در کوچه‌ها و در خانه‌های ساکنین شهر، با قسمت‌هایی از بناهای قدیمی برمی‌خوریم.<sup>۳۶</sup>

دومورگان در نوشته‌هایش به عملکرد بنای کنگاور اشاره‌ای نکرده است و آن را «بنایی عظیم به سبک معماری یونانی» خوانده است.

داشتند، و نیز سنگ‌های قیمتی و جواهرات (اکثراً با علامت شاهنشاهی) و غیر از آن‌ها کتیبه‌های کوتاه مربوط به دوران اواخر ساسانیان و نامه شبیه کتیبه در بند مشاهده شده‌اند. کامبخش‌فرد این‌گونه یافته‌ها را منحصراً در رابطه با بازسازی بخشی از پلاتفرم به حساب می‌آورد که در اثر فرسودگی در اواخر دوره ساسانیان اتفاق افتاده بود.

[...] تعداد یافته‌های کتیبه‌های دوران ساسانیان در اواخر سال ۱۹۷۳ افزایش یافت و تعداد آن‌ها بیش از ۲۰ عدد گردید. [...] علامت‌های اواخر دوره ساسانیان و کتیبه‌های ساختمانی دوره ساسانیان، آن‌گونه که به نظر می‌رسند، بر عظمت پلاتفرم کنگاور و ستون‌های ساخته‌شده در روی آن و بالأخره عظمت پلکان کشیده‌شده به طرف سکو گواهی می‌دهند. کلیه آن‌ها باید مربوط به اواخر دوره ساسانی باشد.

معبد آناهیتا بدون شک در قرن اول بعد از میلاد وجود داشته است. احتمالاً در اواخر ساسانیان در قرن ششم و آغاز قرن هفتم کاملاً بازسازی شده است (این تاریخ در کتیبه‌ها نشان داده شده است).

[...] ارتباط دادن تعمیر معبد آناهیتا در کنگاور با عصر شاهنشاه خسرو پرویز دوم بسیار جالب بود. در این عصر حرمت الهه آناهیتا به طور خارق‌العاده قبل از همه در این‌گونه آثار هنری بالا رفت. مانند روی هم گذاشتن نقش برجسته خسرو دوم در تاقچه بزرگ تاق بستان در جایی که سمبل‌های قدرت پادشاهی خسرو دوم به اهورامزدا و آناهیتا تقدیم می‌شود و نیز سکه‌های این پادشاه که پشت سکه نقش آناهیتا به نوشته‌ای به زبان قبیله‌ای محصور شده است. در عصر خسرو پرویز دوم، در منطقه کرمانشاهان و بیستون در محلی که معبد آناهیتا قرار دارد، ساختمان‌های عظیم ساخته می‌شد. پارادایز تاق بستان به اتاق‌های کوه‌پیکر و نقش برجسته‌ای مشهور، کمی کوچک‌تر، و کاخ بغل‌دستی آن بهستان ساختمان‌هایی بودند که در زمان خسرو دوم ساخته شد و از آن جمله است گلابتون ستون‌های سنگی که با تصویر خود

۳۵. سیف‌الله کامبخش‌فرد، معبد آناهیتا کنگاور، ص ۱۵-۱۷.

## ۵. ۱۱. محمد کریم پیرنیا

ایشان در کتاب *سبک‌شناسی معماری ایران* آورده‌اند:

معبد آناهیتا یا ایزد آب در کنگاور در نزدیکی کرمانشاه ساخته شده است. طرح آن مانند تخت جمشید و ستون‌های آن همه از سنگ تراش است و روی آن با سنگ لاشه کار شده است. بعضی می‌گویند این ستون‌ها وجود نداشته و ساخت آن‌ها را بی‌منطق می‌دانند، ولی در واقع در راستای ستون‌ها مردگردی بوده است. اصل بنا از شیوه پارتی در دوره اشکانی است، که در دوره ساسانی مرمت شده است.<sup>۳۷</sup>

نویسنده در متن مذکور بنای تاریخی کنگاور را معبد ایزد آب یا همان آناهیتا خوانده است و به شباهت طرح بنا به تخت جمشید اشاره کرده است. همچنین بنا را متعلق به دوره پارتی و مرمت‌شده در دوره ساسانی دانسته‌اند.

## ۵. ۱۲. دکتر بهمن کریمی

ایشان در کتاب *راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران* نوشته‌اند:

کنگاور، که تلفظ صحیح آن کین کیور است و مورخین لاتینی آن را کنکوبار نوشته‌اند، قصبه‌ای است که قسمت اعظم خانه‌هایش در خرابه‌های معبد الهه آناهیتا ساخته شده است، که هنوز آثار آن نمایان است.

این بنای وسیع در عهد اشکانیان ساخته شده و مشتمل بر حرمی در وسط و رواقی به سبک یونانی در اطراف می‌باشد و صد سال قبل کست و فلاندن اجزای ساختمان را توانسته‌اند بیابند و نقشه را ترسیم کنند.

معبد مذکور در روی تپه‌ای واقع است که راه کاروان از پای آن گذشته و در زمان فتوحات عرب مأمّن دزدان و راهزنان شده و به همان مناسبت قصر الصوص نام یافته، تقریباً تمام آن بنای قدیم را خانه و کوچه‌های جدید فراگرفته، سکویی که بنیاد معبد در آن بوده امروزه قرارگاه یکی از محلات کنگاور شده، لیکن در زاویه

۳۶. ژاک دومورگان، *مطالعات جغرافیای غرب ایران*، ص ۱۳۹.  
 ۳۷. محمد کریم پیرنیا، *سبک‌شناسی معماری ایران*، ص ۱۰۵.  
 ۳۸. بهمن کریمی، *راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران*، ص ۱۷۸ و ۱۷۹.  
 ۳۹. علی‌اکبر سرفراز، *مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی*، ص ۳۱۸.

شمال غربی نزدیک مسجد کوچک قصبه سالم‌ترین قسمت از معبد مزبور نمایان است و می‌توان دانست که [...] رواق از مرمر سفید بسیار زیبا بوده و قطعاتی از ستون‌های مرمر هنوز در آنجا باقی است، که در دیوار خانه‌ها کار گذارده و عمارات جدید را با آن نگه داشته‌اند، سرستون‌ها و زیرستون‌های معبد بر زمین افتاده، سنگ‌های کوچک تر را اهالی شکسته و در بناهای جدید به کار برده‌اند.<sup>۳۸</sup>

چنان‌که از متن اخیر برمی‌آید، آقای دکتر بهمن کریمی نیز بنای کنگاور را معبد آناهیتا دانسته‌اند و آن را به دوره اشکانیان نسبت داده‌اند. گفتنی است که، ایشان برای استوار کردن اظهاراتشان به نظرات پاسکال کست اوژن فلاندن اشاره کرده‌اند.

## ۵. ۱۳. دکتر علی‌اکبر سرفراز

ایشان رئیس گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران بوده‌اند و در مجموعه *دروس باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی* نوشته‌اند:

کاخ کنگاور در فاصله بین همدان و کرمانشاه را بعضی متعلق به دوره سلوکی و بعضی متعلق به دوره پارت و عده‌ای هم مربوط به اواخر دوره ساسانی می‌دانند. در اینجا یک حیاط چهارگوش با دیوار بلند وجود داشت که، در روی آن ستون‌هایی قرار داشتند، می‌نویسند در وسط آن معبدی به سبک یونانی با ردیف‌هایی از ستون‌ها وجود داشته است.<sup>۳۹</sup>

آقای دکتر سرفراز بنا را کاخ کنگاور خوانده‌اند و در ذکر تاریخ ساخت آن و نیز در ذکر بودن معبد و کیفیت و شکل آن در اظهار نظر راه میانه را در پی گرفته‌اند و به اشاره به نقل قول‌های مشهور بسنده کرده‌اند.

## ۵. ۱۴. دکتر سیف‌الله کامبخش‌فرد

سیر مراحل و فصل‌های مختلف فعالیت‌های باستان‌شناسی در اثر تاریخی کنگاور به شرح زیر بوده است:

از سال ۱۳۴۷ هیئت باستان‌شناسی به طور رسمی مأمور کاوش و بررسی و بازسازی اثر تاریخی کنگاور، مشهور به معبد

شکل گرفت که، با لاشه‌سنگ‌های بزرگ و کوچک، سه صفت چهارگوش و یا سه طبقه پله‌پله در آن به وجود آمد. طرح کلی مانند معابد مطبق اورارتویی و کاخ‌ها و مقبره کوروش می‌باشد که، در بالاترین سطح مراسم آتش در فضای آزاد انجام می‌گرفته است. مدارک باستان‌شناسان شخصیت و هویت معماری و تکمیل مجموعه کهن پرستشگاه را در سده پنجم قبل از میلاد تعیین نموده است.<sup>۴۰</sup>

همچنین آقای کامبخش فرد در آخرین مقاله خود با عنوان «شکل‌گیری معماری ناهید کنگاور در بستر تاریخ» همان مطالب را تکرار می‌کند و می‌نویسد:

رفتار مذهبی و نیایش پارتیان بنا به سنت هخامنشی، مشابه نقش پارتی بیستون، به صورت برات آتش در بالاترین طبقه صفت ادامه داشته است. زیرا گورهای اشکانیان به طور متوالی در بخش خاوری پرستشگاه و نیز تپه‌های شمالی کنگاور حاکی از حضور ایلمایی‌ها و اشکانیان اولیه در حوزه پرستشگاه ناهید می‌باشد و آثاری که طی هشت فصل کاوش از ویرانه‌های این پرستشگاه، چه در دوره هخامنشیان، پارتیان، و ساسانیان به دست آمد، عموماً اشیاء و میراث مذهبی و یا منسوب به آیین‌های دینی است. مصالح و معماری و حجاری و نقش و خط و علائم منقور بر سنگ‌های غیرحجاری، که نذری هستند، با همین هدف خلق شده‌اند. از دوره هخامنشی غیر از بنیان صفت بر صخره ناهید، دیوارهای محیطی و پلکان دوطرفه را نیز ساخته‌اند، که دارای طرحی از این دوره است. آزمایشگاه «آرکئومانیتیک» دانشگاه کیوتو از نظر قدمت، شالوده و بعضی از این آثار را در سده پنجم ق م صحت نهاده است [...].

این پرستشگاه از سده پنجم و چهارم قبل از میلاد تا پایان دوره ساسانی، به مدت یک‌هزار سال دایر بوده است. البته به لحاظ جریان‌های سیاسی، دوره‌های فترت، تعطیل، آتش‌سوزی، و تخریب نیز داشته است و به دفعات مرمت و دگرگون شده و نحوه تعمیر و دگرگونی‌های مکرر آن به عنوان یک جایگاه

آناهیتا، می‌شود. در ابتدای امر آقای سیف‌الله کامبخش فرد طی هفت فصل کاوش باستان‌شناسی به بررسی این اثر می‌پردازد. در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ آقای مسعود آذرنوش کار هیئت قبلی را در خطالرأس تپه ادامه می‌دهد. در سال ۱۳۶۵ آقای علی ولی‌نوری یک فصل در کنگاور به کاوش می‌پردازد. آقایان غلامعلی علی‌پور و حق‌بیان مرمتگران بنگاه علمی تخت جمشید از سال ۱۳۶۴ مأمور مرمت و برپایی مانده‌های دیوار شمال غربی می‌گردند.

در سال ۱۳۶۷ مرحله جدید فعالیت‌های باستان‌شناسی آغاز می‌شود. کاوش‌های جدید را آقایان احمد کبیری و محمد مهریار و عادل فرهنگی تا سال ۱۳۷۱ به انجام رساندند. پس از این دوره، در سال ۱۳۷۴ آقای فایق توحیدی مجدداً کاوش‌های باستان‌شناسی را ادامه می‌دهند. در همین سال مجدداً آقای کبیری کار کاوش و پژوهش در این اثر تاریخی را به عهده می‌گیرند. در سال ۱۳۷۶ فعالیت‌های باستان‌شناسی در اثر تاریخی کنگاور تعطیل و متوقف می‌شود و مجدداً در سال ۱۳۷۷ به مدت کوتاهی کاوش‌های باستان‌شناسی از سر گرفته می‌شود. پس از این سال دیگر فعالیت باستان‌شناسی چشمگیری در بنای مذکور انجام نشده است.

آقای کامبخش فرد نخستین باستان‌شناسی بود که مأموریت کاوش‌های باستان‌شناسی بنای تاریخی کنگاور به او سپرده شد و از سال ۱۳۴۷ ش رسماً در کنگاور آغاز به کار کرد. وی طی هفت فصل کاوش باستان‌شناسی و دو فصل بازسازی توانست بخش عمده‌ای از بنای عظیم کنگاور را از زیر خاک و زیر قصبه تاریخی کنگاور بیرون آورد و بررسی کند.

آقای کامبخش فرد معتقد است که این اثر معبد آناهیتا بوده است و بنیان آن متعلق به دوره هخامنشی است که، در طی هزار سال تا پایان دوره ساسانی دایر بوده است، ایشان در کتاب معبد آناهیتا نوشته‌اند:

بنیانی مذهبی که در عهد هخامنشی پی افکنده شده، بر صخره‌ای

۴۰. سیف‌الله کامبخش فرد، همان، ص ۱۲.

را در زمینه کاوش و مرمت و پژوهش در این بنای تاریخی به انجام رسانده‌اند. ایشان از سال ۱۳۷۴ به بعد مسئولیت هیئت پژوهش و مرمت بنای کنگاور را برعهده داشته‌اند و در مقاله «نویافته‌های باستان‌شناسان در بنای تاریخی معبد آناهیتا کنگاور» گزارش نسبتاً جامعی از مراحل کاوش و مرمت بنا داده‌اند. هرچند ایشان درباره قدمت و تاریخ بنا اظهار نظر قطعی نکرده‌اند، اما توضیحاتشان در مقاله بسیار مفید است و نگرشی همه‌جانبه به بنای تاریخی کنگاور داشته‌اند. در مقاله ایشان آمده است:

بر اساس مدارک موجود و استنباط از اظهار نظرات کارشناسی، طاق گرا را متعلق به دوره ساسانی می‌دانند و در مورد تاریخ بنای معبد آناهیتای کنگاور جرح و تعدیل‌هایی از گذشته اظهار و تا کنون به چاپ رسیده است.

خاراکی در سال ۳۷ میلادی این بنا را ساخته شده دیده است و آن را به آرتیمیس نسبت می‌دهد. در پاره‌ای از مورد نظرات کارشناسان، آن را منتسب به دوره اشکانی و آخرین نظر کارشناسی، طرح معماری آن را متعلق به دوره هخامنشی می‌دانند. اگر این بنا متعلق به دوره هخامنشی باشد، باید نسبت به تاریخ‌گذاری طاق‌گرا تجدید نظر شود. چنانچه به دوره اشکانی هم نسبت داده شود، باز هم به علت شباهت طراحی قوس‌طاق و سایر عناصر در قیاس با آن در این مورد هم نیازمند تجدید نظر در تاریخ‌گذاری است. متأسفانه به دلیل عدم [وجود] مدارک مکتوب [کتیبه] اظهار نظرات متفاوتی در عملکرد و تاریخ‌گذاری از این اثر تاریخی ثبت شده است. هرچند که پیدایش دو عدد پایه ستون از نوع سنگ ماسه که قابل مقایسه با پایه ستون‌های دوره تاریخی [باشد] در لابه‌لای خاک‌های مضطرب‌شده به دست آمده، لیکن اظهار نظر قطعی در این مورد منوط به کاوش‌های باستان‌شناسی در آینده است.<sup>۴۳</sup>

### ۵. ۱۷. مهندس محمد مهریار

ایشان در مقاله‌ای با عنوان «معبد آناهیتای کنگاور» آورده‌اند: [...]. برخی این بنا را معبد آرتیمیس یا معبد آناهیتس، گروهی آن را

مذهبی همواره پایدار باقی مانده و هرگز تحت تأثیر جلال و شکوه بنیادهای دنیوی واقع نگردیده است. شاهان ساسانی در طول سلطنت خود از این پرستشگاه در راه تبلیغ آرمان و آیین‌های زمان بهره برده‌اند و بدیهی است که خسرو پرویز هم یکی از شاهان این سلسله بوده و اثری از خود در این پرستشگاه بر جای نهاده است.<sup>۴۱</sup> چنانکه دیدیم ایشان، که در میان سایر باستان‌شناسانی که در کنگاور فعالیت کرده‌اند، فضل تقدم نیز دارند، بنای مذکور را معبد آناهیتا دانسته‌اند و تاریخ احداث آن را زمان هخامنشی می‌دانند. همچنین ایشان معتقدند که بنا در طول هزار سال تا پایان دوره ساسانی دوره‌هایی از فترت و آتش‌سوزی و تعطیلی و مرمت و بازسازی را پست سرگذاشته است.

### ۵. ۱۵. دکتر مسعود آذرنوش

دکتر مسعود آذرنوش دو فصل کاوش باستان‌شناسی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ در کنگاور انجام داده‌اند. ایشان کار کاوش را در خط‌الرأس تپه پی گرفتند و ضلع شمالی و صغه و سکوی بالایی را پی‌گردی کردند. ایشان در مقاله‌ای (به زبان انگلیسی) تحت عنوان «کاوش‌های کنگاور»، که در نشریه A.M.I در سال ۱۹۸۱ به چاپ رسید، بنای کنگاور را کاخ خسرو پرویز معرفی و آن را از آثار دوره ساسانی قلمداد کردند. ترجمه این مقاله را در نشریه/اثر شماره ۲۹ و ۳۰ (سال ۱۳۷۷) منتشر کرده‌اند.<sup>۴۲</sup> دکتر آذرنوش در آن مقاله، علاوه بر دلایل و مدارک باستان‌شناسی، به اسناد و مدارک تاریخی-جغرافیایی نیز استناد کرده‌اند و در مجموع معتقد بوده‌اند که، این اثر متعلق به دوره ساسانیان است و سبک معماری و اسناد نیز نشان می‌دهد که، بنای کنگاور کاخ یا قصری است، و نه معبد.

### ۵. ۱۶. دکتر احمد کبیری

احمد کبیری باستان‌شناس سازمان میراث فرهنگی کشور از سال‌های ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۷ به طور غیرمستمر کارهای زیادی

۴۱. همو، «شکل‌گیری معماری ناهید کنگاور در بستر تاریخ»، ص ۳۱-۳۴.  
 ۴۲. مسعود آذرنوش، «کاوش‌های کنگاور»، ص ۱۸-۵۴.  
 ۴۳. احمد کبیری، «نویافته‌های باستان‌شناسی در بنای تاریخی معبد آناهیتا کنگاور»، ص ۶۷۶.



## ۶. جمع‌بندی

در این مقاله دیدیم که در باب تاریخ‌گذاری و ماهیت بنایی همچون بنای تاریخی کنگاور ممکن است اظهار نظرهای متفاوت و بسیاری مطرح شده باشد.

همانطور که گذشت حاصل گزارش‌های فصول و مراحل مختلف کاوش‌های باستان‌شناسی در بنای تاریخی کنگاور با هم متفاوت و متعارض و حتی متناقض است. علاوه بر این اطلاعات گزارش‌های متون تاریخی-جغرافیایی، سفرنامه‌ها، و حتی نظریات پیشگامان باستان‌شناس در خصوص این اثر تاریخی گوناگون و مختلف است.

البته باید توجه داشت که، اعتماد بی‌چون و چرا بر متون تاریخی نیز می‌تواند مسبب اشتباهات فراوانی گردد. همان‌طور که درباره گزارش ایزیدور خاراکسی دیدیم، اعتماد مطلق بر یک گزارش کوتاه تاریخی، و ندیده گرفتن بسیاری متون دیگر که شهادتی بر خلاف گزارش اول بودند، به اظهار نظرهای عده بسیاری از محققان و پژوهشگران و باستان‌شناسان جهت داده است، و اگر صحت آن گزارش زیر سؤال رود، همه خیل عظیم نظریاتی، که بر پایه آن گزارش شکل گرفته است، بی‌ارزش خواهد شد.

در پایان باید گفت که با بررسی همه‌جانبه مدارک خواه ناخواه به این نتیجه می‌رسیم که، در باب این بنا، چه از منظر تاریخ‌گذاری و چه از منظر کاربری حقیقی آن، باید صبر بیشتری داشت و منتظر ادامه یافتن فعالیت‌های باستان‌شناسی و پژوهش‌های دیگر بود. از این رو باید در مورد این بنا با دقت نظر و احتیاط بیشتر به قضاوت و صدور رأی بپردازیم. به نظر می‌رسد که، آشفتگی مشهود امروز در آرای مختلف صاحب‌نظران درباره این بنا بیشتر از قضاوت‌های سریع و یک‌جانبه آن‌ها ناشی گشته است.

## منابع و مأخذ

- آذرنوش، مسعود. «کاوش‌های کنگاور». ترجمه فاطمه کریمی، در اثر، ش ۲۹ و ۳۰ (تابستان و پاییز ۱۳۷۷)، ص ۵۴-۱۸.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. *صورة الارض*. ترجمه و توضیح جعفر شعاع، ۴۴. محمد مهریار، «معبد آناهیتا کنگاور»، ص ۲۳-۲۶.
۴۵. همان، ص ۲۹.

کاخ شاهی دوره ساسانی و برخی آن را قصر الوص دانسته‌اند و برخی نیز در انتظار به دست آوردن آگاهی‌های بیشتری مانده‌اند. [...] پرهیزگاری از تزئین و سادگی مفرط در نماهای بنا است که نشان از آیینی بودن و کاربری مذهبی بنا دارد.

[...] پدید آمدن چنین بنایی با این وسعت و عظمت که در اینجا در پیش رو داریم و با این همه به صورت یک بنای یکپارچه دیده می‌شود و وحدتی [که] میان ساخت‌وساز همه اجزای آن هست، نشانگر وضعیت اقتصادی، تولید و کشاورزی دشت پربرتکت کنگاور است، چون میزان بازدهی کار انسان توان آن را داشته است که هزینه و زحمت ایجاد یک چنین طرح و بنای عظیمی را تضمین بکند.

[...] نکته دیگر شایسته توجه این است که، جذابیت‌های توده عظیمی از سنگ‌های فروافتاده از فراز بنا که بر پیرامون آن انباشته است، جلوه هریک از آن‌ها پیام‌دار شکوه بنایی فراتر از مقیاس رفع نیازهای انسان یا حتی نیازهای گروهی در کاربری‌های روزهای ویژه است و بیشتر به جاودانگی‌های آیینی و تشریفات آدابی و فراملی می‌برازد، تا کاهی برای زندگی یک والی یا قصری برای امور حکومتی شاهی از شاهان پرشوک.<sup>۴۴</sup> [...] یک نکته خیلی مهم، شباهتی است که تنها از یک لحاظ میان آتشگاه اصفهان و معبد کنگاور وجود دارد و آن، از آن خود کردن حجم بستر طبیعی اندرون سازه‌ای است که بر آن استوار شده است.<sup>۴۵</sup>

آقای مهندس مهریار در این مقاله با احتیاط بیشتری درباره عملکرد و تاریخ‌پیدایی بنای تاریخی کنگاور اظهار نظر کرده‌اند. ایشان موقعیت جغرافیایی بنا را مناسب برای تمام عملکردهای مورد مناقشه خوانده‌اند. در عین حال سادگی مفرط نماهای بنا را احتمالاً نشانی برای کاربری مذهبی آن می‌دانند. در نهایت نیز، با توجه به ابعاد چشمگیر و کیفیت ساخت بنا، آن را بنایی مناسب برای انجام فعالیت‌های مذهبی در سطحی ملی خوانده‌اند تا قصری برای انجام امور پادشاهی.

- تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبدالله بن عبدالله. *المسالك و الممالک*. ترجمه سعید خاکرند، تهران: میراث ملل، ۱۳۷۱.
- ابن رسته، احمد بن عمر. *الاعلاق النفیسه*. ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ابن فقیه، احمد بن محمد بن اسحاق همدانی. *البلدان (بخش مربوط به ایران)*. ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- ابودلف، مسعر بن مهلهل خزرچی. *سفرنامه ابودلف در ایران*. با تعلیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه سیدابوالفضل طباطبایی، تهران: فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۲.
- بایندر، هانری. *سفرنامه هانری بایندر (کردستان، بین‌النهرین و ایران)*. ترجمه کرام‌الله افسر، تهران: یساولی، ۱۳۷۰.
- پرادا، ایدت. *هنر ایران باستان*. ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- پوپ، آرتور ایهام. *معماری ایران، پیروزی شکل و رنگ*. ترجمه کرام‌الله افسر، تهران: یساولی، ۱۳۶۵.
- پیرنیا، محمدکریم. *سبک‌شناسی معماری ایران*. به کوشش غلامحسین معاریان، تهران: نشر معمار، ۱۳۸۳.
- جکسون، ابراهام ولنتاین ویلیامز. *سفرنامه جکسون (ایران در گذشته و حال)*. ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۲.
- خاراکسی، ایزیدور. *ایستگاه‌های پارتی*. ترجمه فیروز حسن عزیز، به کوشش نادر کریمیان سردشتی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۷.
- دومورگان، ژاک. *مطالعات جغرافیای غرب ایران*. ترجمه کاظم ودیعی، تبریز: چهر، ۱۳۳۱.
- سرسی، کنت دو ادوارد. *سفارت فوق‌العاده کنت دو سرسی (ایران در سال ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م)*. ترجمه احسان اشراقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- سرفراز، علی‌اکبر. *مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی*. تهران: جهاد دانشگاهی هنر، ۱۳۷۳.
- طبری، ابن جریر. *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، ۵ ج، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- طوسی، محمد بن احمد. *عجایب المخلوقات*. به کوشش منوچهر ستوده، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۴۵.
- فلاندن، اوژن. *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. ترجمه حسین نورصادقی، تهران: انتشارات اشراقی، ۲۵۳۶.
- قزوینی، زکریا بن محمد. *آثار البلاد و اخبار العباد*. ترجمه عبدالرحمن شرف‌کندی، تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان، ۱۳۶۶.
- قیومی بیدهدی، مهرداد. «سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران»
- در گلستان هنر، ش ۱۵ (بهار ۱۳۸۸)، ص ۵-۲۰.
- کالج، مالکوم. *پارتیان*. ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ۲۵۳۷.
- کامبخش فرد، سیف‌الله. «شکل‌گیری معماری ناهید کنگاور در بستر تاریخ» در مجموعه مقالات نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- \_\_\_\_\_ . *معبد آناهیتا کنگاور*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- کبیری، احمد. «نویافته‌های باستان‌شناسی در بنای تاریخی معبد آناهیتا کنگاور» در مجموعه مقالات نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- کریمی، بهمن. *راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران*. تهران: بی‌نا، چاپ چاپخانه بانک ملی ایران ۱۳۳۹.
- گدار، آندره. *هنر ایران*. ترجمه بهروز حبیبی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
- گروته، هوگو. *سفرنامه گروته*. ترجمه مجید جلیوند، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۹.
- گريشمن، رومن. *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی، ۲۵۳۵.
- مستوفی قزوینی، حمدالله. *نزهة القلوب*. به اهتمام گای لسترانج، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- مقدسی، محمد بن احمد. *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. لیدن، ۱۹۰۶ م.
- مهریار، محمد. «معبد آناهیتا کنگاور» در *اتر*، ش ۳۵ (پاییز ۱۳۸۱)، ص ۵۲-۳۳.
- ناصرالدین‌شاه، شهریار جاده‌ها (سفرنامه ناصرالدین‌شاه به عتبات). به کوشش محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲.
- واندنبرگ، لویی. *باستان‌شناسی ایران باستان*. ترجمه عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
- هرتسفلد، ارنست. *تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی*. ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴.
- هوار، کلمان. *ایران و تمدن ایرانی*. ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. *معجم البلدان*. به اهتمام وستنفلد، ۶ ج، تهران: بی‌نا، چاپ افست اسدی، ۱۳۴۴.
- \_\_\_\_\_ . *برگزیده مشترک یاقوت حموی*. ترجمه محمدپروین گنابادی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.